

دانش آموزان امسال هم به جای کتاب پیامهای آتشین دریافت داشتند

طبق آمارهای که از سوی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزش و پرورش منتشر شده در ۵ سال اخیر به طور متوسط ۱۵ تا ۲۰ درصد کتابهای درسی یک ماه تا یک ماه و نیم دیرتر از موعد مقرر بدست دانش آموزان سراسر کشور می رسد. مسئولان دلایل این کار را چنین توجیه کرده اند: جدید التالیف بودن کتابهای درسی، فرسودگی و کمبود وسائل چاپ و تکنیکهای ارزی ناشی از تک نرخی شدن ارز.

در عین حال خبر می رسد که قیمت کتابهای درسی در مقایسه با سال قبل افزایش یافته که این



ادامه در صفحه ۳

بمنظور جلوگیری از ادامه انتشار فشار بر دوروزنامه پرتیراژ تهران افزایش یافت

● سلام: فشارها و اتهامات علیه سلام حکایت از تصمیم به جلوگیری از انتشار روزنامه است

● ماهنامه همشهری به اتهام "همسویی با جریان تهاجم فرهنگی" تعطیل شد

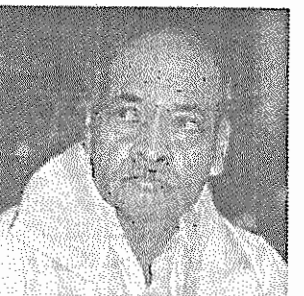
مقامات جمهوری اسلامی پس از سه هفته سکوت درباره دستگیری عباس عبدی سردبیر روزنامه سلام سرانجام ناگزیر از واکنش شدند و یزدی رئیس قوه قضائیه در نماز جمعه دوهفته پیش تهران با اشاره به این موضوع، اعلام کرد: "احضار و بازداشت برخی مسئولان جرایم کشور حق کامل قانونی و بر اساس قوانین جاری کشور است. این در حالیست که زرمه بسته شدن روزنامه سلام هر روز بیشتر با لایحه می گردد و این روزنامه در شماره های دو هفته گذشته خود آشکارا از "تصمیمی" سخن می گوید که مسئولان حکومت اسلامی برای بستن در روزنامه سلام اتخاذ کرده اند. همزمان هفته گذشته اعلام شد که امتیاز ماهنامه همشهری از سوی وزارت ارشاد لغو شده است و روزنامه های کیهان، رسالت و جمهوری اسلامی تبلیغات

ایجاد اغتشاش داشته است. سلام در پیاده داشت سیاسی ۲۱ شهریور خود در پاسخ به سخنان یزدی نوشت: هرگز بحث بر سر این نیست که آیا حکومت حق دارد با جرائم مطبوعاتی برخورد کند یا نه و هرگز هم چنین چیزی مطرح نشده است. لیکن آنچه مورد سؤال است این است که آیا می توانست یک نویسنده و روزنامه نگار را در وسط خیابان و در مقابل چشم همسر و فرزندانش غافلگیرانه بازداشت کند؟

سلام درباره این سخنان یزدی که گفت: "مخاکمه سردبیر سلام علنی و با حضور هیئت منصفه خواهد بود، نوشت: چنین سخنی در پایان هفته ای گفته می شود که در آغاز همان هفته دادگاهی مطبوعاتی تشکیل شده است در مورد رسیدگی به شکایاتی که علیه مدیر مسئول روزنامه سلام بوده است و میدانیم که علنی نبوده است.

روزنامه سلام در شماره های هفته گذشته خود بطور صریح از احتمال تعطیل شدن روزنامه گفته است. این روزنامه در پیاده داشت سیاسی شماره ۲۵ شهریور خود ادامه در صفحه ۲

دیدار ناراسیمهارائو از تهران



سه شنبه هفته گذشته ناراسیمهارائو نخست وزیر هند برای دیداری سه روزه وارد تهران شد و با رفسنجانی و دیگر مقامات حکومت اسلامی به گفتگو نشست. این نخستین سفر یک نخست وزیر هند به ایران پس از انقلاب ۵۷ است.

رئیس دفتر تهران گفت: ما در حال عبور از طیف وسیعی از فرایندهای جهانی قرار داریم و اهمیت این امر ایجاب می کند تا کشورهای ایران و هند با تبادل نظر و گفتگو بیشتر در نحوه شکل گیری این تحولات اثر بگذارند. نخست وزیر هند مسئله پنجاب و کشمیر را یک مشکل داخلی هند توصیف کرد و گفت: ما همواره ادامه در صفحه ۳

کنفرانس منطقه ای تنظیم خانواده در تهران

اواسط شهریور ماه کنفرانس منطقه ای تنظیم خانواده با شرکت نمایندگان ۱۶ کشور آسیایی، سازمان بهداشت جهانی، صندوق جمعیت ملل متحد، صندوق بین المللی کودکان، سازمان آکوو تعدادی از کارشناسان داخلی امور جمعیت و توسعه در تهران برگزار شد.

رشد متناسب جمعیت در کنار افزایش تولید و بهبود شرایط اجتماعی فرهنگی و حفظ منابع بنیادی هر جامعه عوامل توسعه پایدار در هر کشوری می باشند. جمعیت دنیا در سال ۱۹۸۹ از مرز ۵ میلیارد نفر گذشت و نسبت به سال ۱۹۵۰ دو برابر شد. در حال حاضر سالانه ۹۸ میلیون نفر (روزانه ۲۵۰ هزار نفر) به جمعیت جهان افزوده می شود که ۹۰ درصد ساکن کشورهای در حال توسعه هستند. کشورهای آسیایی با ۳ میلیارد نفر ۶۰ درصد جمعیت جهان را در خود جای داده اند. در حالیکه کشورهای خاور و غرب تا یکد بر برنامه های تنظیم خانوادگی رشد جمعیت را به میزان چشمگیری کاهش داده اند، منطقه

خاورمیانه با رشد بالای جمعیت مواجه است. پیش بینی می شود که تا سال ۲۰۲۵ میلادی جمعیت آسیا به ۵ میلیارد نفر برسد. کشور ما ایران در سال ۱۳۲۰ حدود ۱۴ میلیون نفر جمعیت داشته است در دهه ۲۰ با رشد متوسط ۱/۷ درصد در سال جمعیت ایران به ۱۶ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر رسید. پس از آن با بالا رفتن سطح بهداشت، با بین آمدن میزان مرگ و میر مردم بویژه کودکان در دهه، میزان رشد جمعیت افزایش یافت. در سالهای ۳۵-۳۰ نرخ رشد ۴/۲ درصد در سالهای ۴۵-۳۵ این میزان بطور متوسط ۱۶/۳ درصد در سال بود بطوریکه جمعیت ایران در سال ۱۳۴۵ به ۲۵ میلیون و هشتصد هزار نفر رسید.

پس از آن با گسترش برنامه های تنظیم خانواده به توصیه سازمان بهداشت جهانی، ایران نیز به خیل کشورهای پیشرفته این برنامه ها پیوست. در اثر آن میزان رشد جمعیت پس از دهه ها کاهش یافته، به ۲/۷ درصد در سالهای ۵۵-۲۵ رسید. در اثر سیاستهای نابخردانه

در این شماره

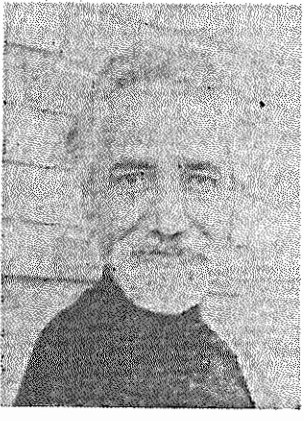
گزارشی از ایوان	در صفحه ۷
گزارشی از جشن سالانه اومانیته	در صفحه ۶
اخوان و ذهنیت شکست	در صفحه ۵
بحثی پیرامون اوضاع اقتصادی ایران	در صفحه ۸

استاد انجوی شیرازی در گذشت

مجموعه گفتارهای انجوی در برنامه فوق بعد از صورت کتاب درآمد و به یکی از منابع معتبر فولکلور فرهنگ عامیانه ایران بدل شد. انجوی همچنین به خاطر تصحیح معتبر و پرارزشی که بر روی دیوان حافظ انجام داده است، نام و آوازه ای بسزادارد.

انجوی در سالهای دهه بیست و سی به خاطر مبارزات سیاسی و عدالت جویانه اش بارها به زندان و تبعید محکوم گشت و یکبار تا پای اعدام هم پیش رفت که سرانجام به خاطر مقام علمی اش از مرگ رهایی یافت. نسل دهه بیست انجوی را به عنوان روزنامه نویسی معترض، پرخروش و مبارز می شناسند.

انجوی، سالهای آخر عمر را به رغم بیماری کمیاکان به پژوهش و انتقال تجربه و دانش خویش به نسلهای بعد تسری کرد. یادش گرامی باد.



با کمال تأسف خبر یافتیم که استاد ابوالقاسم انجوی شیرازی، ادیب و پژوهشگر نامی ایران چشم از جهان فرو بست. انجوی سالها به نام "الف-انجو" در ادب و ایران مسئولیت تهیه و تنظیم برنامه پربرای به نام "فرهنگ عامه" را به عهده داشت.

قم به آخوندها درجه دکتری دهد

آیت الله مومن مدیر حوزه علمیه قم می گوید شورای عالی انقلاب فرهنگی کلیات طرحی را تصویب کرد که در آن به حوزه ها اجازه داده میشود به طلبه های خود "مدرک تحصیلی دانشگاهی" بدهند. وی می گوید شرط ورود به حوزه ها داشتن سوم راهنمایی با معدل ۱۲ و قبول شدن در امتحان ورودی و در مصاحبه است. طلبه هایی که ۶ سال درس اجباری حوزه ها را بخوانند و با معدل ۱۴ قبول شوند می توانند دوره ۴ ساله ای را که انتخاب دروس و استادان آن اختیاری است،

بگذرانند و مدرک دکتری دریافت کنند. او خواندن تفسیر و عقاید و کلام و تلبیح را معادل گذراندن دوره دکتری ارزیابی کرده و هدف از این کار را افزایش علاقمندی به فراگیری دروس حوزوی اعلام کرد. وی افزود با تصویب مدارک طلاب و روحانیون حوزه ها و استفاده رسمی از آنها در دانشگاهها وحدت و همکاری این دو قشر افزایش می یابد.

آقای مومن که در یک کنفرانس مطبوعاتی سخن می گفت تصریح کرد: "ما در صفحه ۳"

روسیه در گرداب بحران

انحلال پارلمان روسیه توسط بوریس یلتسین که خلاف قانون اساسی این کشور صورت گرفت، بحران سیاسی روسیه را به مرحله ای رسانده که بیم آن می رود این کشور به طرف یک جنگ داخلی سوق یابد. تحولات خطرناکی که در این کشور سرعت می گیرد، می تواند آثار و پیامدهای فراتر از مرزهای آن یافته و منطقه وسیعتری از جمله کشورهای برآمده از اتحاد شوروی پیشین را در بر گیرد.

انحلال شورای عالی نمایندگان خلق روسیه و بیرون راندن مخالفین از قدرت به طریقی مستبدانه، گام جدیدی است در راهی که یلتسین عموماً از دو سال پیش بدینسو پیموده است. همه رهبران خود کامه، پارلمان را در صورتی که مزاحم امیال جاه طلبانه شان باشد، منحل می کنند تا با تکیه بر دستگاه دولتی، در موقعی که خود مناسب تشخیص می دهند، انتخاباتی برگزار کنند که از آن چیزی جز یک مجلس باب طبع خود بیرون نیاید. پارلمانی هم که یلتسین می خواهد تشکیل دهد، قرار است طرحی را به عنوان قانون اساسی جدید روسیه تصویب کند که تقریباً همه اختیارات را از قوه مقننه گرفته، به رئیس جمهور بدهد. این طرح از لحاظ تقسیم اختیارات میان رئیس جمهور و پارلمان به رژیم ولایت قبیله شباهت دارد و از لحاظ تنظیم رابطه حکومت مرکزی و مناطق، نوعی رژیم ملوک الطوائفی را برقرار می کند.

هدف یلتسین از این تلاش برای قبضه قدرت، ظاهراً اصلاحات است. طرفداران یلتسین، کنگره و شورای عالی منتخب آن و بقایای اقتصاد دوران شوروی را مانع تحقق این اصلاحات معرفی می کنند و می گویند اگر این موانع از سر راه برداشته شوند، روسیه به سرعت به سطح رشد غرب خواهد رسید و اجازه ورود به کلوب ثروتمندان شمال را خواهد یافت. فراخوان یلتسین و همکارانش خطاب به مردم این است که "پولدار شوید!" و متأسفانه هنوز کسانی که بدنیال این سراب می روند نمی دانند که با راهی که یلتسین می رود ثروت از آن اقلیتی بسیار محدود (از جمله مافیای جدید روسیه) و فقر و محرومیت از آن اکثریت مردم خواهد بود.

لیکن موانع اصلاحات مورد علاقه یلتسین بزرگتر از آنند که با این تبلیغات از سر راه برداشته شوند. فقر و فاقه حیرت انگیزی که تمام روسیه را در خود فرو برده است، موقعیت یلتسین و اصلاحات او را متزلزل کرده است. بر این بستر و سر خوردگی مردم از وعده های انجام نایافته، نیروهای چپ و دموکرات در روسیه و سایر جمهوریهای اتحاد شوروی سابق قدرت می گیرند. همین عوامل هستند که یلتسین را نسبت به آینده بیمناک می سازد و او را به تمجیل برای یکسره کردن کار، حتا با توسل به شیوه های آشکارا ضد دموکراتیک و خلاف قانون وادار می دارد.

در کشاندن روسیه به سوی حریق، یلتسین تنها نیست و از سوی ادامه در صفحه ۲

یادداشت

مخالفت جمهوری اسلامی با توافق ساف - اسرائیل

در بحبوحه استقبال تقریباً یکپارچه تمام دولتهای جهان از جمله کشورهای عربی و مسلمانان از آغاز روند تازه در خاورمیانه در پی توافق اسرائیل و سازمان آزادیبخش فلسطین، تنها از دو جاساد ناساز و ناهنجار مخالفت برخاست: از تهران و طرابلس. رژیم اسلامی در تهران حتی اعتراض رژیم قدافی در نقش دایه مهربانتر از مادر بنی آه و فغان درباره آرمان فلسطین گذاشت و این در حالی بود که اکثریت خود فلسطینیها - چه توده های مردم و چه سازمانهای سیاسی آن - پشتیبان این توافق تاریخی و خوشحال از آغازی تازه در بحران چندین دهه میان اعراب و اسرائیل بودند.

مقامات مسئول و غیر مسئول حکومت اسلامی در تهران - هر چند با تاخیری که ناشی از غافلگیر شدنشان در برابر سیر واقعه بود - توافق ساف و اسرائیل را محکوم کردند و آنرا "خیانت به آرمان فلسطین" نامیدند. وزارت خارجه جمهوری اسلامی در بیانیه ای مخالفت رژیم را با "مذاکرات بین اعراب و رژیم صهیونیستی" اعلام کرد. رفسنجانی توافق ساف و اسرائیل را "خائنانه" نامید و سخنانی علاوه بر آن شخص و عرفات را نیز بی نصیب نگذاشت و او را "عنصر بدنام و روسپاهی که پیمان سازش با ظالم را امضا کرده است" خواند. بی آنکه روشن نماید معیار "بدنامی و روسپاهی" چیست؟ مثلاً اگر همین الان از مردم جهان - عیناً به شمول مردم ایران - درباره عرفات و خامنه ای نظر خواهی کنند، کدامیک واقعا بدنام و روسپاه است؟

سخنهای هم که حکام اسلامی در سخنرانیها و اظهار نظرهایشان برای "آرمان فلسطین" و "آزادی قدس" ارائه دادند، جز آن نیست که خود آنها یکبار برای "آزادی کربلا" تجربه کردند و دیدیم که ماجران با باده پیروزی بلکه با "جام زهری" خاتمه یافت که "آمام" سر کشید.

اما این، همه ماجرا نیست. تهران بلافاصله زیر فشار همه جانبه برای دست کشیدن از مخالفت با مذاکرات صلح خاورمیانه و توافق اسرائیل و فلسطینیها قرار گرفت. در فاصله دو هفته پس از امضای قرار داد اسرائیل و ساف هیاتهای از ژاپن، انگلیس و فرانسه به تهران آمدند تا تهران را از مخالفت با توافق فلسطینیها و اسرائیلیها بر حذر دارند. هیروشی فوکورا معاون وزیر خارجه ژاپن به مقامات تهران گفت: "ژاپن نسبت به صلح خاورمیانه حساس است و ما امید داریم ایران با برقراری صلح در این منطقه مخالفت نکند." هر چند گفته شد که دیدار هیاتهای انگلیسی و فرانسوی برای گفتگو پیرامون مسائل دو جانبه و موانع موجود در راه گسترش مناسبات تهران با لندن و پاریس بوده

اعتراض کارگران کارخانه نورد اهواز

جمع بزرگی از کارگران کارخانه نورد لوله اهواز با امضای یک نامه سرگشاده و انتشار وسیع آن، نسبت به شرایط نامناسب کار در این واحد صنعتی اعتراض کردند. عدم عرضه وسایل ایمنی، بی توجهی به سلامت کارگران در اثر تنفس بخار سرب و روی، پائین بودن کیفیت غذا، بوی تمغن در محیط کارخانه، نبودن وسائل خنک کننده و تهویه هوا و قطع سهمیه شیراز اعتراضات کارگران این کارخانه بود.

روسیه در گرداب بحران

ادامه از صفحه ۱

فرب و آمریکا نیز پشتیبانی می شود. همان دلایلی که یلتسین را نسبت به سر نوشت و آینده اصلاحات سرمایه داری خود نگران ساخته است، کشورهای غربی و به ویژه آمریکا را نیز نگران ساخته است. پشتیبانی اقدامات کودتایی و نشانی نگران است که تا مین منافع فرب در روسیه تا چه حد با سر نوشت یلتسین و اصلاحات او گره خورده است. تنگاتنگی این منافع و علاقه فرب به پیروزی یلتسین در جنگ قدرت بدان اندازه است که کشورهای غربی هیچ به این نیاز نمی بینند که حمایت یکپارچه خود از کودتای یلتسین علیه نهادهای قانونی و قانون اساسی این کشور را پنهان سازند. آنها که ۲ سال پیش و در زمان کودتای اوت به نام ماکراسی از گارباچف و یلتسین به دفاع پرداختند، اکنون چشمان خود را بر این واقعیت که ماکراسی در این کشور چگونگی زیر پا نهاد می شود، بسته اند. موضع آمریکا و سایر کشورهای بزرگ غربی تنها در حد حمایت از یلتسین باقی نمانده و به دخالت آشکار در حوادث این کشور انجامیده است. دهها شیکه راد یو و تلویزیونی و دیگر وسائل ارتباط جمعی در کار ساختن افکار عمومی روسیه و اروپا و آمریکا به نفع یلتسین و هر گونه اقدامی از سوی او هستند. آمریکا بطور تحریک کننده ای از کمکهای میلیاردی قریب الوقوع به یلتسین سخن می گوید و آلمان پیشنهاد قرارداد های کلان را درست در اوج کشاکش، بصورت هدیه ای تقدیم یلتسین می کند. فراتر از همه اینها بسیار بعید است که یلتسین بدون اطلاع و کسب حمایت دولت آمریکا به انحلال کنگره نمایندگان روسیه و تلاش غیر قانونی برای قبضه کردن قدرت دست زده باشد.

تراژدی روسیه در اینجا است که در برابر مضمی ویران کننده یلتسین نیروی قابل اعتمادی که بتواند از حمایت مردم برخوردار شود، شکل نگرفته است. در حقیقت تمام کوشش فرب در همدستی با یلتسین و برخی دیگر از مقامات جاه طلب روسیه در دو سال گذشته و پس از برانداختن گارباچف این بود که مانع از شکل گیری چنین نیرویی شوند. چه شوک ناشی از کودتای نافرجام اوت ۱۹۹۱ و چه اقدامات پس از آن یلتسین و فرب، نیروهای چپ و دموکرات روسیه را تقریباً فلج کرده و در مقاطع حساس مانع از تحرک این نیروها شد. در نتیجه رهبری مخالفت با یلتسین در پارلمان به عهده شخصیتهای منفردی مانند خاسبولاقف متحد سابق یلتسین قرار گرفت که نه از برنامه آلترناتیو اعتماد بر انگیز برخوردار بوده و نه از محبوبیت توده ای. بسیاری از کسانی که در ماههای اخیر به عنوان مخالفان یلتسین در پارلمان شناخته شدند، خود در

واپسین ماههای موجودیت شوروی با یلتسین در تضمین حکومت مرکزی و موقعیت گارباچف همراه بودند. غالب خبرگزاریهای جهان چنین تفسیری می کنند که مقاومت کنگره نمایندگان خلق و شورای عالی روسیه راه به جایی نخواهد برد و یلتسین خواهد توانست با تکیه بر حمایت ارتش، دستگاه دولت و رهبران محلی، قدرت خود را تحکیم کند. حتی اگر چنین باشد و صرف نظر از اینکه این طرح با چه مقدار فرسایش از دو سو همراه باشد، می توان بطور قطع گفت که پایان جنگ قدرت میان رئیس جمهور و پارلمان، به بحران سیاسی، اقتصادی و اجتماعی روسیه پایان نخواهد داد. هیچ یک از عوامل داخلی و خارجی تعیین کننده، در جهت تخفیف این بحران عمل نمی کنند. خصوصی کردن صنایع و سایر موسسات اقتصادی با ابعاد، شیوه و سرهتی که صورت می گیرد، تولید داخلی را در روسیه افزایش نخواهد داد. کشورهای غربی که خود دچار بحران شدید اقتصادی اند، نه می خواهند و نه می توانند کمک موثری به اقتصاد روسیه بنمایند. در نتیجه، در مدتی بسیار کوتاه تر از آنچه که یلتسین تصور می کند، اعتمادها با زهم بیشتر از او سلب خواهد شد. مردم روسیه نیز در خواهند یافت که از یلتسین نیز چیزی بیش از لاندس برگیس، ایلچی بیگ و والس بر نمی آید، با این تفاوت که روسیه، یک کشور کثیر الملله دوست میلیونی است که در آن، مشی خرابکارانه و کوته بینانه ای مانند مشی یلتسین، می تواند به تلاشی و هرج و مرج بیانجامد. هیچ کشور و هیچ نیروی سیاسی مسئولی نمی تواند به نتیجه بحران خطرناکی که در روسیه شکل می گیرد بی توجه باشد. امواج این بحران در صورت تشدید، می تواند از محدود روسیه فراتر رود و از همین رو آنچه در روسیه اتفاق می افتد برای ما و کشور ما نیز از اهمیت برخوردار است. ما خواهان آنیم که تحولات در روسیه سیری مسالمت آمیز و دموکراتیک داشته باشد و این تحولات چنان سرانجامی یابد که روسیه به کشوری با ثبات و دموکراتیک در منطقه ما تبدیل شود. در جهان پر تنش ما ثبات و دموکراسی در روسیه در مهار تشنج و حریقی که منطقه ما را از هر سو دربر گرفته است، اهمیتی جدی خواهد داشت و بالعکس ادامه آشوب و کشاندن شدن بحران روسیه به سطحی غیر قابل مهار نظیر فجایعی که اکنون در اطراف و کناف دنیا پیش روی ماست، شعله های آتش بحران در منطقه ما را شعله و تر و ترویرانگر تر خواهد کرد. با توجه به این واقعیت ما با هر اقدامی که بحران روسیه را از بستر مسالمت آمیز خارج سازد، مخالقم. متأسفانه در شرایط امروز روسیه، سیاستهای یلتسین در این راستاست.

بمنظور جلوگیری از ادامه انتشار

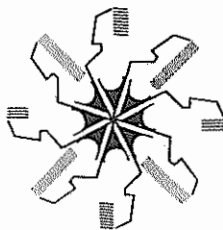
فشار بر دوروزنامه پرنیروا تهران افزایش یافت

ادامه از صفحه ۱

می نویسد: دستگیری عضو شورای سردبیری سلام، به صف شدن شکایات بی دریغی همه با یک آهنگ (تهمت و افترا)، نشر کاذب و تشویق اذهان عمومی به قصد اضرار به غیر و فعال شدن برخی از مراجع قضایی همزمان با فشارهای دیگر مرنئی و نامرنئی و متهم نمودن سلام در روزنامه های وابسته، به ضد نظام بودن و اقدام علیه منافع ملی کردن، که روز بروز عرصه فعالیت مطبوعاتی را برای سلام تنگ تر می کند، همه حکایت از تصمیمی در حال انجام است. "این روزنامه در همین شماره در پاسخ یکی از خوانندگان خود که می پرسد: "آیا خودتان قبول دارید که بعد از ماتوری که علیه روزنامه سلام انجام دادند، مطالب روزنامه کلیشه ای شده و کم کم مثل روزنامه های دیگر راههای کم خطرو یا بی خطر را می بینید؟" پاسخ می دهد: مشکلاتی که برای ما پیش آورده اند تنها دستگیری عضو شورای سردبیری نیست. سلام در سمرقانه ۲۹ شهریور خود با عنوان "فرهنگ آزادی جوانی از فشارهای وارده به این روزنامه را فاش می کند. سلام می نویسد: روزنامه ما آزادند ولی اگر مطلبی از آنها در رسانه های خارجی چاپ شود به همصدایی با بیگانه متهم می شوند. مطبوعات آزادند اما دیگران هم آزادند هر کاری می خواهند با آنها بکنند. وزیر به کارمند می گوید: بین خواندن سلام و ماندن در وزارتخانه یکی را انتخاب بکن... گزارشهای رسیده از ایران نشان می دهد که روزنامه سلام علیرغم فشارهای حکومت، بدلیل ادامه مواضع انتقادی با استقبال بیشتری روبروشده و تیراژ آن روبه افزایش

است و همین موضوع حکومت را در اعمال فشار علیه آن مصمم تر کرده است. از سوی دیگر بموازات تشدید فشار حکومت و محافل و روزنامه های قشری وابسته به حکومت علیه روزنامه سلام، روزنامه همشهری نیز آماج حملات تند محافل فوق قرار گرفته و بعید نیست این روزنامه را نیز به همراه سلام تعطیل کنند. روزنامه کیهان که این خبر را در ستون اخبار ویژه شماره ۲۷ شهریور درج کرده است دلیل لغو پروانه انتشار ماهنامه همشهری را همسویی این مجله با جریان هجوم فرهنگی و نقض قانون مطبوعات اعلام کرده است. ماهنامه همشهری در کنار روزنامه همشهری بصورت ماهنامه به همراه ضمیمه "همشهری نوجوان" انتشار می یافت. اکنون خود روزنامه نیز آماج فشارهای محافل قشری با هدف توقف آن قرار گرفته است. یکی از دست اندرکاران همشهری گفته است این روزنامه با ۱۶۰ هزار تیراژ بالاترین فروش را دارد. این عضو همشهری گفته است که ۵۰۰ هزار متقاضی داریم اما امکانات تیراژ روزنامه تا این حد را نداریم. روزنامه هایی چون کیهان، جمهوری اسلامی و رسالت در حملاتشان علیه همشهری ادعا می کنند که این روزنامه با سوسید شهرداری تهران انتشار می یابد. کیهان نوشته است: "بر اساس یک برآورد روزانه حداقل چهار میلیون تومان و ماهانه بیش از صد میلیون تومان از سوی شهرداری تهران برای روزنامه همشهری سوسید پرداخت می شود. پرداخت این سوسید کلان برای روزنامه شهرداری تهران از

سمینار بنیاد پژوهشهای پژوهشهای زنان ایران



ماه گذشته "بنیاد پژوهشهای زنان ایران" چهارمین سمینار خود را دروین پایتخت اتریش برگزار کرد. این سمینار که به دعوت "جامعه مستقل زنان ایرانی" در اتریش برگزار شده بود، نخستین سمینار این بنیاد در خارج از آمریکا بود. نشریه "آوای زن" که از طرف جامعه مستقل زنان

ایران در اتریش انتشار می یابد در شماره ماه اوت خود گزارش این سمینار را انتشار داده است. در این سمینار که بیش از ۲۵۰ زن از سراسر اروپا شرکت داشتند مهمانانی نیز از ایران دعوت شده بودند که خانم گلای امامی، پژوهشگر و ناشر کتاب و منیر وروانی پور، نویسنده صاحب نام ایرانی از جمله آنها بودند. عنوان این سمینار زن و خانواده در ایران و مهاجرت بود که علاوه بر سخنرانی مفید خانم گلای امامی و قسه خوانی های خانم روانی پور شامل مباحث مختلفی راجع به جنبه های گوناگون زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و هنری زنان نیز می شد. قرار است مطالب این سمینار بعداً بصورت کتاب انتشار یابد.

در حاشیه تشکیل مجلس ملی از سوی مجاهدین

آیا این یک پارلمان است؟

در فرهنگ ملت‌ها همواره هر واژه معنا و حتی رنگ و بوی خاص خود را دارد. تا آنجا که به مردم ایران، به زبان فارسی و به تاریخ کشور ما مربوط می‌شود از واژه‌ی «پارلمان» همواره اجلاس یا مجلسی استنباط و فهمیده می‌شود که اعضای آن با رای بخشی از آحاد ملت انتخاب شده و به عنوان نماینده و وکیل همان بخش به آن مجلس گسیل می‌شوند. در فرهنگ دموکراسی واژه پارلمان - که واژه‌ای برآمده از فرانسه‌ی کهن و راه یافته به انگلیسی است، نهادی قانونگذار و رکن اصلی قدرت حکومتی، که ناشی از اراده مردم است، شناخته می‌شود. اما اخیراً سازمان مجاهدین خلق ایران گویا تصمیم گرفته است که این مفهوم و استنباط را تغییر دهد و آن را برای ایرانیان - و نیز جهانیان - به نحو دیگری توضیح دهد.

پس از جلسه اخیر شورای ملی مقاومت، که ظاهر ائتلافی است متشکل از مجاهدین و برخی افراد و برخی گروه‌های دیگر، به غیرگزاری‌ها اعلام شده است که گویا «پارلمان ایرانی در تبعید» تشکیل شده است.

نشریه مجاهد این شورا را رسماً و علناً «پارلمان» و مجلس ملی دوران انتقال می‌نامد. برای از بین بردن هر گونه شک و شبهه آنها اسم جایی را که جلسه شورای خود را در آنجا تشکیل داده‌اند بهارستان گذاشته، آیه و شاور هم فی الامم را بر بالای سر رئیس اجلاس آویخته و پرچم سه رنگ ایران، و همراهِ با شیرو خورشید را هم پرچم و نشان «شورا» و دولت موقت اعلام کرده‌اند. همه این تمهیدات در حالی بکار گرفته شده است که، بنا به خبر و تصمیمات اعلام شده توسط خود مجاهدین، هیچ یک از اعضای شورا در هیچ کجا و از جانب هیچ کسی انتخاب نشده و سمت نمایندگی ندارد. آنها خود می‌گویند اعضای جدید شورای مذکور بنا به رای اعضای همان شورا انتخاب شده‌اند.

تعداد نمایندگان پارلمان مذکور در اجلاس اخیرش از ۱۵۰ نفره ۲۳۵ نفر افزایش داده شده است. افراد جدید با رای همان ۱۵۰ نفر و ظاهراً بنا به تقاضای شخصی از عنوان نمایندگی پارلمان ایران برخوردار شده‌اند.

زمانی مجاهدین شعار ایران رجوی - رجوی ایران را شعار روز خود کردند. زمانی دیگر آنها از سازمان ملل خواستند که کرسی نمایندگی ایران را صاحب شوند و امروز نیز نام جلسه‌ای که اعضای را خود انتخاب می‌کنند، «پارلمان ایران» می‌گذارند.

اینها همه نشانه آن است که مجاهدین می‌خواهند همان رابطه و همان فضای را که میان رهبر، شورا و فرد مجاهد پدید آورده‌اند با دیگران و با مردم ایران نیز برقرار کنند. رابطه و فضای که کوچکترین نشانه‌ای از دموکراسی در آن نیست و یک فرد و یک جمع کوچک در آن به جای و به نام همه تصمیم می‌گیرد.

کنفرانس منطقه‌ای تنظیم خانواده در تهران

ادامه از صفحه ۱

جمعیت سازمان ملل متحد واداشت. در اثر اجرای بخشی از این برنامه‌ها بر رشد شناختن جمعیت مهار زده شد. به ادعای کارگزاران جمهوری اسلامی رشد جمعیت در سالهای ۶۵-۷۰ به ۲/۹۵ درصد رسیده است و میزان باروری به ۴/۵۲ نفر کاهش یافته است. آنها امیدوارند در صورتیکه روند فعلی تداوم یابد نرخ رشد در سالهای ۷۰-۷۷ به سالانه ۲/۳۶ درصد برسد و میزان باروری به کمتر از ۴ نفر برسد و ایران در سال ۷۷ جمعیتی حدود ۶۷ میلیون نفر در سال ۱۴۰۰ هجری ۱۲۰ میلیون نفر داشته باشد. رقمهایی که حتی حصول به آن درد بزرگی را دوا نمی‌کند. بی‌گفتنی فرط چند ساله مسئولان رژیم در عرصه تنظیم خانواده، تاثیرات مخرب خود را برای دهه‌ها در جامعه باقی می‌گذارد. در حالیکه تعداد زنان در سن باروری در سال ۶۵ حدود ۱۱ میلیون نفر بود، انتظار می‌رود بخاطر شده در سالهای بعد از انقلاب، این میزان در سال ۷۷ به ۱۶ میلیون نفر برسد و با توجه به میزان باروری ۴ نفر، نرخ رشد جمعیت به سرعت کاهش نیابد.

دست اندر کاران جمهوری اسلامی در این عرصه تاکنون حداقل پذیرفته‌اند که از وسایل پیشگیری شناخته شده در دنیا، در ایران استفاده شده امکان دسترسی به آنها برای مردم فراهم شود. به زنان آموزشهای لازم در این زمینه داده شود، با گسترش شبکه‌های بهداشتی مرگ و میر کودکان کاهش یابد و توصیه شود که فاصله تولد کودکان بدنیال هم افزایش یابد. میزان استفاده از وسایل پیشگیری از حاملگی ناخواسته در ایران از ۲۰ درصد به ۴۵ درصد رسیده است. با اینکه در زمینه کنترل جمعیت در ایران پیشرفتهایی صورت گرفته است، بسیاری از مهمترین مسائل دخیل در این امر هنوز از جانب مسئولان رژیم مسکوت مانده است. از میان مهمترین مشکلات می‌توان از پایین بودن سن ازدواج یاد کرد. توانین جمهوری اسلامی سن ازدواج دختران را رسماً تا حد ۹ سال قمری کاهش داده است. بنابر این میزان باروری دختران از بدو بلوغ بخاطر ازدواج زودرس شدت افزایش یافته است. در ایران آزادی سقط جنین در صورت حاملگی ناخواسته وجود ندارد. در حالیکه بدنیا آمدن کودک ناخواسته، تاثیر روانی نامطلوبی برای همیشه در خانواده‌ی او باقی خواهد گذاشت. سیاستهای نادرست بسیاری از ادارات عملا کارکنان آنها را به داشتن فرزند بیشتر ترغیب می‌کند. امکان انتقال به محل مأموریت بهتر و موقعیت‌های شغلی و درآمد بیشتر در صورت داشتن فرزند بیشتر از جمله این سیاستهاست. با وجود این نارسائی‌ها متأسفانه مسئله افزایش جمعیت در کشورمان برای چند دهه از موانع جدی توسعه‌ی مطلوب و پایدار جامعه مان خواهد بود.

قم به آخوندها در چه دگر می‌دهد

ادامه از صفحه ۱

نکرد که طرح مذکور شامل تمام آخوندهای ایران می‌شود یا فقط برای طلبه‌هایی است که از این به بعد وارد حوزه‌ها می‌شوند. مطابق برآوردهای غیر رسمی هم اکنون در ایران حدود ۲۰۰ هزار آخوند وجود دارد که ظاهراً همه شان دروس آخوندی را تمام کرده‌اند. جمهوری اسلامی علیرغم اهمیت فوق العاده‌ای که برای حرفه آخوندی قائل است تاکنون هیچ گونه آمار رسمی درباره تعداد آنها انتشار نداده است.

از زمان اعلام انقلاب فرهنگی در ۱۳ سال پیش تلاش گسترده‌ای علیه دانشگاهها آغاز شد. تا امروز شعار وحدت حوزه و دانشگاه از جانب حکومت پیگیرانه دنبال شده است و اجازه اعطای درجات دانشگاهی به طلاب حوزه‌ها آخرین ابتکار در همین راستا می‌باشد. اما از آنجا که هیچ یگانگی منطقی میان مضمون فعالیت دانشگاهها و مضمون فعالیت حوزه‌ها وجود ندارد

دانش آموزان امسال هم به جای کتاب

از صفحه ۱ پیامهای آتشین دریافت داشتند

دیگری هم بمنظور ارتقا سطح تئوریک و شناخت جوانان و نوجوانان انجام دهند. در مورد این اقدامات بسیار ضروری آقای آیت الله جنتی گفتند: متأسفانه پس از گذشت ۱۴ سال از انقلاب اسلامی در مقایسه وضع خودمان با آن وضعی که اسلام خواسته است بسیار عقب هستیم. لذا باید در همه ادارات و موسسات و مراکز آموزشی و غیره نمازخانه ایجاد گردد. مطلبی که گویی به گوش ناشناخته‌ترین‌ها یعنی حکومتیان هم رسیده این است که اکثریت قوی جوانان و نوجوانان از حکومتیان و نمازهای اجباری شان خسته شده‌اند. آنها هم تصمیم شان گسترش هر چه بیشتر تورا بد تولد و زیک است. این نگرانی‌های توان از گذشتار وزیر آموزش و پرورش هم استنباط کرد. ایشان در پیام اول مهر ماه می‌گویند در شرایطی که دشمنان انقلاب اسلامی با تهاجم فرهنگی شخصیت اسلامی و هویت ملی

سفر هیاتهای از ژاپن، فرانسه و انگلیس به تهران

به تهران

حاضر به نطفه‌ای قتل رشدی نیست و دولت جمهوری اسلامی تنها می‌تواند اعلام کند که از پرداخت جاپزه برای کشتن سلمان رشدی حمایت نمی‌کند. مناسبات تهران و لندن از دو سال پیش تاکنون در سطح کاردار محدود مانده است. دیدار هیات فرانسوی به سرپرستی معاون وزارت خارجه آن کشور نیز تا نیر چندانی بر بهبود مناسبات پاریس و تهران نگذاشت. در پایان دیدار هیات فرانسوی از تهران گفته شد که در مناسبات دو کشور موانع مهم اقتصادی و سیاسی وجود دارد لیکن هر دو کشور ما بلند این مناسبات حتی الامکان خوب باقی بماند. گفته می‌شود جمهوری اسلامی نزدیک به یک میلیارد فرانک بدهیهای کوتاه مدت به موسسات فرانسوی دارد. علاوه بر این بگیری قتل دکتر بختیار که بخاطر آن تعدادی از مأموران تروویست جمهوری اسلامی در جنگ پلیس فرانسه هستند و نیز مخالفت جمهوری اسلامی با مذاکرات صلح خاور میانه از جمله موانع مشکلات در روابط تهران و پاریس است.

در دو هفته گذشته سه هیات دیپلماتیک از کشورهای انگلیس، ژاپن و فرانسه از تهران دیدار کرده و با مقامات وزارت خارجه جمهوری اسلامی به گفتگو پرداختند. روزنامه‌های تهران هدف سفر هیات ژاپنی را تشویق تهران به دست از کشیدن از مخالفت خود با قرارداد ساف - اسرائیل اعلام کردند و خبرگزاری فرانسه آنرا ابلاغ اظهار ناسف ژاپن نسبت به مخالفت جمهوری اسلامی ایران با توافقیهای اخیر مابین اسرائیل و سازمان آزادیبخش فلسطین اعلام کرد. با آنکه هدف دیدار هیاتهای انگلیسی و فرانسوی از تهران بیشتر مسائل دو جانبه و از جمله مسئله سلمان رشدی در روابط تهران و لندن اعلام شده بود اما گزارش‌ها حاکی از آن بود که بر حذر داشتن حکومت اسلامی از مخالفت با روند صلح خاور میانه از جمله اهداف سفر هیاتهای انگلیسی و فرانسوی نیز بوده است.

در پایان دیدار هیات انگلیسی از تهران که ریاست آنرا مایکل برتون مدیر کل وزارت خارجه انگلیس به عهده داشت اعلام شد که تهران

سقوط بهای نفت

نفتی ایران در سال ۱۹۷۰ میلادی حدود ۱۷/۶ میلیارد دلار بود که با توجه به ۳۹ میلیون جمعیت کشورمان در آن زمان سرانه ۴۴۹ دلار می‌شد با در نظر گرفتن آنکه در ۱۳ سال گذشته حدود ۲۱ میلیون نفر جمعیت کشور افزوده شده و بخاطر قیمت‌های جدید نفت در سال ۹۲ میلادی درآمد نفتی به ۱۵/۷ میلیارد کاهش یافته و میزان درآمد سرانه نفتی به ۲۶۱ دلار رسیده است. پیش‌بینی‌های کارشناسان در مورد قیمت نفت در آینده نزدیک حاکی از آنست که قیمت نفت تا سطح ۱۰ دلار سقوط خواهد کرد. این کاهش قیمت، موضوع بسیار مهمی است که در سرنوشت کشورهایی که رونق اقتصادیشان به میزان فروش نفت شان بستگی دارد تاثیر جدی دارد. با توجه به رکود اقتصاد جهانی در بیشتر عرصه‌ها و کاهش مصرف نفت در ایران و با توجه به در اولویت قرار گرفتن موضوع حفظ محیط زیست و سعی در جایگزینی منابع دیگر انرژی بجای نفت، میزان تقاضا برای نفت در سالهای آتی محدود خواهد شد و بعید بنظر می‌رسد جلوه کاهش قیمت را بتوان گرفت.

اجلاس اضطراری وزرای نفت کشورهای عضو اوپک بعد از یکبار به تعویق افتادن در روز پنجشنبه ۲۵ شهریور برگزار شد. موضوع مورد بحث تقسیم بندی سهمیه اعضا با توجه به سقوط بهای نفت در ماههای اخیر بود. بهای این کالا طی سه ماه گذشته در هر ششگانه بیش از ۳۰ درصد کاهش یافته است. نفت سبک کشورهای عربی در ماه سپتامبر امسال به ۱۲ دلار و ۹۵ سنت رسید. بهای این نوع نفت در ماه مشابه سال قبل ۱۸/۵ دلار بود. نفت سبک ایران که در سپتامبر سال قبل ۱۹/۳۵ دلار بود در ماه سپتامبر امسال در معاملات نقدی بازار اروپا به ۱۴ دلار رسید. بهای نفت برنت در ماه سپتامبر امسال و سال قبل به ترتیب ۱۵/۴ و ۲۰ دلار بوده است. در هفته گذشته بهای نفت در بازار لندن بطور متوسط بشکوه‌ای ۱۵/۵ دلار و در بازار آمریکا بشکوه‌ای ۱۶/۷۵ دلار بود. درآمد کشورهای عضو اوپک در سه ماه گذشته بدلیل کاهش قیمت نفت در مجموع ۳۰ میلیارد دلار تقلیل یافت. درآمد

دیدار ناراسیمهارائو

ادامه از صفحه ۱

آماده انجام مذاکره با پاکستان برای حل مسأله امتیاز این مسئله بوده‌ایم. راتوافرود: امیدواریم در آینده با کمک جمهوری اسلامی ایران با دولت جدید پاکستان امکان گفتگوهای بهتری ایجاد شود، زیرا هند با توجه به کثرت جمعیت مسلمانان در این کشور همواره خواهان روابط دوستانه‌ای با جهان اسلام بوده و راه عملی فائق آمدن بر مشکلات رافع سوء تفاهات از طریق گفتگو و تبادل نظر می‌داند. رفتن جناب نیز در گفتگوهایش با راتو تمایل جمهوری اسلامی برای همکاری با دیگر کشورهای آسیایی اعلام داشت و گفت با توجه به وجود امکانات ارزشمند کشورهای این قاره باید راههای همکاری مشترک مورد بررسی قرار گیرد. رفتن جناب گفت جمهوری اسلامی از وضع موجود در کشمیر راضی نیست و آماده کمک به رفع سوء تفاهات در کشمیر است. به گزارش خیر گزارها ناراسیمهارائو: کمک جمهوری اسلامی به هند برای حل مسئله مربوط به کشمیر وارد کرد و گفت هند علاقمند است مسئله کشمیر را رسماً حل کند. رفتن جناب در آستانه سفر راتو به تهران در مصاحبه‌ای با روزنامه هندوستان تایمز خواهان ایجاد جبهه‌ای از کشورهای چین، ایران و هندوستان جهت دفاع از منافع کشورهای آسیایی شده بود.

تلاش رژیم برای جلوگیری از فعالیت

دوراد بودرسونند شکست خورد

همزمان با طرح شکایت جمهوری اسلامی علیه راد یوهای فارسی زبان سوئد، ایرانیان مخالف رژیم در این کشور حرکتی در حمایت از این راد یوهای انجام دادند. در همین رابطه یک شب همبستگی با راد یوهای فارسی زبان در خارج از کشور در سوئد برگزار شد که گروهی از مخالفان رژیم و هنرمندان ایرانی در آن شرکت کردند. اقدامات جمهوری اسلامی جهت تحت فشار قرار دادن روزنامه‌ها و راد یوهای وابسته به نیروهای اپوزیسیون در خارج از کشور که ادامه نقض خشن آزادی بیان و مطبوعات در داخل کشور است را باید با حساسیت دنبال نمود و هر گونه تلاش مأموران رژیم در این جهت را با اقدامات همبسته خشن کرد.

نارضایتی انجمن های اسلامی از تغییر مسئولان دانشگاهی

در اطلاعیه ای که از طرف انجمن دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران پخش شده است، آمده است که سطوح مختلف مدیریت چنان دچار تغییر و تحول شده اند که جایابی حکومتهای رادار اذهان زنده می کنند. این تغییرات باب میل انجمنهای اسلامی نبوده و ناراحتی خود را از این تغییرات به صورت زیرین فرموله کرده اند: پس از توصیه های مکرر امام به وحدت تمامی نیروهای معتقد و دلسوز، هرگز گمان نمی رفت که در مرور ایامی چنین قلیل شاهد حذف اینهمه عزیزان از صحنه مدیریت جامعه تنها به جرم انتصابشان به خط امام باشیم. در این اطلاعیه آمده است که در هنگام افتتاح دانشگاه متالوژی، نیروهای جناح فعلا حاکم از ایراد سخنرانی توسط رئیس دانشگاه ممانعت کرده اند.

اعتراض دانشجویان دانشگاه آزاد تهران

دانشجویان دانشکده مهندسی دانشگاه آزاد تهران با انتشار اعلامیه ای نسبت به نارسایی های آموزشی، رفاهی و صنعتی موجود اعتراض کردند. از جمله این اعتراضات می توان از نبود فضای آموزشی به دلیل تعداد زیاد دانشجویان، فقدان حتی یک کتابخانه و سائل مطالعه در دانشکده، نبود رستوران و بوفه مناسب برای دانشجویان و برخورد نامناسب مسئولان دانشکده بصورت توهمین و ناسزاگویی نام برد.

تمدید مهلت تعویض شنانامه ها

روابط عمومی سازمان ثبت احوال کشور مهلت تعویض شنانامه ها برای ایرانیان مقیم داخل کشور تا پایان آذرماه و برای ایرانیان مقیم خارج را تا پایان اسفند ماه سال جاری تمدید کرد. از جانب این سازمان قبلا پایان دی ماه بعنوان آخرین مهلت تعیین شده بود.

افزایش بهای کتابهای درسی

حداحد عادل معاون وزیر آموزش و پرورش افزایش قیمت کتابهای درسی در مقایسه با سال قبل را اعلام کرد. مقدار این افزایش در مقطع ابتدایی به ۷۰ درصد می رسد. حداحد عادل افزایش قیمت کتابهای درسی را در مقایسه با قیمت سایر کالاها عادی دانست. توزیع کتابهای درسی نیز امسال در زمان مناسب صورت نمی گیرد. تا پایان شهریور تنها ۸۰ درصد کتابهای درسی توزیع شد. دانش آموزان برای دریافت ۲۰ درصد باقیمانده کتابها تا ۱۵ آبانماه باید صبر کنند و آنگاه آغاز به یادگیری مطالب آن نمایند.

از میان رویدادها

لغو امتیاز ماهنامه همشهری

امتیاز ماهنامه "همشهری" که صاحب امتیاز آن کرباسچی شهردار تهران بود، از سوی وزارت ارشاد اسلامی لغو شد. وزارتخانه مزبور علت لغو امتیاز را هنوز اعلام نکرده است. روزنامه کیهان علت اصلی را "همگامی مجله مزبور با جریان تهاجم فرهنگی" دانسته است. گفته می شود مابه التفاوت هزینه سنگین این ماهنامه رنگی که هر شماره آن بیش از ۱۲۰ تومان خرج دارد و درآمد ۳۰ تومان ناشی از فروش نشریه نامبرده، از بودجه شهرداری تهران تامین می شد.

سلام مجبوری به تکذیب شد

روزنامه سلام که انتظار می رفت به علت اعتقاد به ولایت فقیه در فضای جمهوری اسلامی بتواند آزادتر از بقیه قلم بزند با درج خبر برگزاری جشن تولد ناصر واعظ طبسی در هتل استقلال تهران و اشاره به صورت حساب یک میلیون و دو صد هزار تومانی جشن نامبرده و گزارش دیگری مبنی بر حمایت امام جمعه اهواز از فردی بنام مهرداد احمدی مورد غضب حکومتگران قرار گرفت. گفتنی است که مهرداد سلمان احمدی رئیس کمیته انقلاب اسلامی خوزستان در طول مدت ریاست کمیته انقلاب اسلامی به زنان و دختران زیادی تجاوز کرده بود و شکایات متعددی از طرف خانواده ها از وی شده بود که به بازداشت و بعد اعدام وی انجامید. بعد از شکایاتی که از طرف ناصر طبسی و امام جمعه اهواز از روزنامه سلام مجبور شد در شماره صبح دوشنبه خبرهای مذکور را تکذیب کند. گزارشها حاکی از آنست که حجت الاسلام خوتینیها پذیرفت که رضایت آقایان موسوی جزایری امام جمعه اهواز، ناصر واعظ طبسی و وزیر آموزش و پرورش را جلب کند. تکذیب نامه ی ذکر شده در بالا در راستای همین جلب رضایت از شاکیان است.

شکایت بهبهانی ویراهنی علیه کیهان به دادگاه می رود

شقایق "در روزنامه کیهان و همچنین شکایت غلامحسین سالمی بعلت درج مقاله "ویت کنگ های کافه نشین" علیه کانون نویسندگان ایران مراحل رسیدگی را در دادگستری می گذرانند. قرار است در روزهای آینده شکایتی سیمین بهبهانی و رضا براهنی در مورد مقاله یاد شده و همچنین بزنی رئیس قوه قضائیه و تعدادی از قضایان دیوان عالی کشور علیه مدیر مسئول روزنامه کیهان به دادگاه فرستاده شود.

بررسی دوباره پرونده جلال الدین فارسی

به دنبال اعتراض نماینده دادستان و همچنین برادر مقتول نسبت به حکم صادره از جانب دادگاه کیفری تهران، دیوان عالی کشور مسئول رسیدگی پرونده جلال الدین فارسی شد. فارسی متهم است که در جریان شکار مرتکب قتل عمد فردی بنام محمد رضا رضاخانی شده است. در جریان محاکمه، دادگاه ۱۴۵ کیفری تهران قتل را "شبه عمد" دانست و بر اساس آن متهم را به پرداخت دیه (جریمه نقدی) محکوم کرد. ارفاق نسبت به جلال الدین فارسی بخاطر وابستگی هایش به حکومت جمهوری اسلامی در حالیکه بسیاری از افراد عادی بخاطر ارتکاب جرمهای به مراتب سبک تر، به مجازاتهای سنگین تا حد اعدام می رسند، موجی از انزجار در میان مردم رادامن زده است.

ایجاد ۱۵۰۰ پاسگاه انتظامی جدید

رضاسیف الهی فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی اعلام کرد در اجرای طرح تشکیلات نیروی انتظامی جمهوری اسلامی که

کمک حکومت ایران به بنیاد گرایان اسلامی اردن

هفته نامه آلمانی اشپیگل دریکی از شماره های اخیر خود در مورد عملیات برون مرزی سازمان امنیت ایران چنین نوشت: بر طبق اطلاعات ارگانهای امنیتی عرب، سازمان امنیت ایران با نیروهای بنیادگرای "حزب اسلامی آزاد بیخوش اردن"، برای سرنگونی رژیم سلطنتی آن کشور و ایجاد یک پایگاه جغرافیایی مناسب جهت مقابله با اسرائیل، در صورتیکه قرارداد صلح اعراب و اسرائیل صورت واقعیت بخود بگیرد، همکاری نزدیک دارند.

بانک جهانی به توصیه آمریکا پرداخت وام به ایران را معلق کرد

سیاست جامعی در مورد ایران تعیین نشده است، اجرا نخواهد شد. این روزنامه از قول یک کارشناس اقتصادی نوشت: بدهی های خارجی ایران در سال ۹۱ به ۱۷ میلیارد دلار، یعنی سه برابر سال ۹۰ رسیده و در سال ۱۹۹۲ از مرز ۲۰ میلیارد دلار گذشته است. اقتصاد ایران به علت سوء مدیریت و کاهش بهای نفت دچار نابسامانی شده است و بهره بدهی های ایران به نزدیک سه میلیارد دلار رسیده است. در نتیجه تعدادی از کشورهای اروپایی و شرکتهای ژاپنی واگذاری اعتبارات به ایران را محدود ساخته اند.

شکوه وزیر ارشاد از جوانان ایرانی

لا ریجانی وزیر ارشاد اظهار تأسف کرد که بر اساس بررسی های انجام شده، جوانان ایرانی کمترین مدت از وقت آزاد خود را صرف امور مذهبی و عبادت می کنند. وی نتیجه بررسی های سمینار شورای عالی جوانان وابسته به سپاه پاسداران را بسیار غافلگیرانه و ناامید کننده دانست. بر اساس این بررسی ها جوانان ایران بیشتر وقت خود را صرف تماشای تلویزیون و گردش و تفریح و ورزش می کنند.

ورود کالا از منطقه حراست شده سیرجان آزاد شد

بانک مرکزی در بخشنامه ای ضمن تأیید قانونمندیهای محدود منطقه ویژه تجاری سیرجان به عنوان یک منطقه مرزی، موافقت خود را با اعمال تسهیلات برای واردات کالا از این منطقه به داخل کشور در چارچوب قوانین صادرات و واردات، رسماً به گمرک ایران اعلام کرد.

با اعلام پذیرش منطقه ویژه تجاری سیرجان به عنوان یک منطقه مرزی مبدأ از سوی بانک مرکزی، بازرگانان ایرانی و خارجی بدون تشریفات گمرکی از این پس می توانند کالا های خود را از سراسر دنیا به این منطقه وارد و برای مصارف داخلی و یا صادرات مجدد، در انبارهای این منطقه ذخیره کنند. گفته می شود که رفسنجانی و پسران او در این منطقه آزاد گمرکی سرمایه گذاری گسترده ای کرده اند.

باز هم بهم زدن مراسم عروسی

در یک مراسم عروسی در شهر زیبا که با حضور ۲۵۰ مهمان برگزار شد، ماموران انتظامی منطقه غرب تهران به مدعوین حمله کرده، ۱۵ نفر را دستگیر کردند. خانواده عروس و داماد، صاحب محل برگزاری عروسی، خوانندگان و نوازندگان از جمله دستگیر شدگان بودند.

ماموران ادعا کرده اند که این ۲۵۰ نفر با "وضع ظاهری بسیار زننده" حضور داشته و تعدادی مشغول رقص بوده اند.

عفو

گروهی از محکومین دادگاههای انقلاب

آیت اله یزدی رئیس قوه قضائیه طی نامه ای به آیت اله خامنه ای برای ۲۱۴۱ نفر از محکومین دادگاههای انقلاب اسلامی، عمومی و نظامی سراسر کشور که مراحل بررسی قانونی و کارشناسی آن در کمیسیون اداره عفو و بخشودگی قوه قضائیه سپری شده و واجد شرایط عفو و تخفیف شناخته شده اند بمناسبت میلاد حضرت محمد و ولادت امام جعفر صادق در اجرای بند ۱۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی تقاضای عفو و یا تخفیف مجازات کرد. در پاسخ به این نامه خامنه ای با پیشنهاد آقای یزدی موافقت کرد.



جوانان در کوه. ۱۵ سال تلاش جمهوری اسلامی برای تحمیل فرهنگ و اندیشه اسلامی خود بر نسل جوان شکست خورده است. جوانان هر آنجا که می توانند موضفه های مبلغین رژیم را به هیچ می گیرند.

عکس از: سید حسین التجاء. نشریه آدینه. شماره ۸۲

اخوان و ذهنیت شکست

با فرا رسیدن شهریور سه سال از خاموشی مهدی اخوان ثالث گذشت. اخوان در تاریخ شعر معاصر ایران چه بواسطه شعرهایش و چه به لحاظ نوشتارها و مقالاتش از آفرینندگان سبک نیمایی به شمار می‌آید. در واقع تلاشها و آفرینشهای کسانی چون اخوان بود که شعر نو را پیش از پیش در میان مردم جا انداخت و سبب گسترش علاقه و کشش قشرهای متفاوت مردم به آن گردید.

اخوان با مجموعه «ارغنون» جای پای محکمی در شعر معاصر ایران پیدا کرد و با انتشار «زمستان» در سال ۳۵ و «آخر شاهنامه» در سال ۴۸ راه ورسم شاعریش را تداوم و قوام بخشید. در این کتابها تمثیل و اسطوره و تغزلی ویژه و طنزی تلخ و درشت و تسلط اخوان بر ظرفیتهای زبان فارسی، او را شاعری صاحب سبک معرفی می‌کند. استفاده از موارد فرهنگی، طرح کلمات ترکیبی و توجه به موسیقی شعر، استفاده از کلمات عامیانه قرون گذشته و قدرت دیالوگ باعث میشود که اخوان با ظرفیتهای متنوع شعر خود، در تحریک شعر نو فارسی شریک شود.

شعر اخوان را شعر شکست لقب داده‌اند، چرا که وی در بیشتر آثارش و با کیفیت اش با تاکید و تمرکز بر روی ناکامی جنبش ملی در دهه سی (۲۸ مرداد)، این شکست را تا سطح یک اسطوره می‌کشد و با نادیده گرفتن خصلت مرحله‌ای، نسبی و تجربه‌مندانه شکست‌ها و شکست‌های اجتماعی، یاس و نومیدی حاصل از آنها را به سراسر تاریخ و زندگی انسان ایرانی سرایت میدهد. این بینش با روی بر تافتن از آینده دامن ارزش‌ها و یادمانهای گذشته دور پناه می‌برد و نیکبختی و تعالی خود و مردم را در باور به

شعر اخوان را شعر شکست لقب داده‌اند، چرا که وی در بیشتر آثارش و با کیفیت اش با تاکید و تمرکز بر روی ناکامی جنبش ملی در دهه سی (۲۸ مرداد)، این شکست را تا سطح یک اسطوره می‌کشد و با نادیده گرفتن خصلت مرحله‌ای، نسبی و تجربه‌مندانه شکست‌ها و شکست‌های اجتماعی، یاس و نومیدی حاصل از آنها را به سراسر تاریخ و زندگی انسان ایرانی سرایت میدهد. این بینش با روی بر تافتن از آینده دامن ارزش‌ها و یادمانهای گذشته دور پناه می‌برد و نیکبختی و تعالی خود و مردم را در باور به

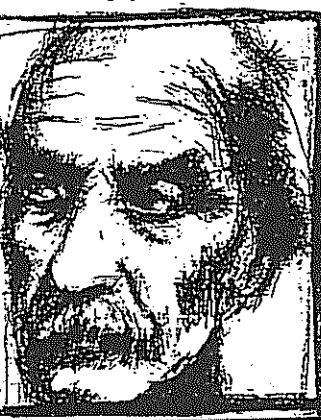
فرهنگی، نبود تجربه و فرهنگ دمکراتیک و عدم مداومت و استمرار در کارها و تلاشها که از ویژگیهای بارز جامعه ماست و تأثیرات آنها بر ذهنیت و نگاه مردم و شاعری همچون اخوان موضوع نوشتاری است به قلم

آقای محمد مختاری، شاعر، پژوهشگر و نقد نویس معاصر. چاپ بخشهایی از این مقاله را در سالگرد خاموشی زنده یاد اخوان مناسب دانستیم. متن کامل این مقاله در نشریه خاوران - شماره ۱ - چاپ مشهد درج شده است.

... شعر امید را تا کنون بارها شعر شکست نامیده‌اند. همچنان که خود او نیز چنین گفته و سروده است. اما چند و چون این مشخصه، چنان که باید، باز جست و بررسی نشده است، تا دانسته شود که چرا و چگونه

نیما به زادگاهش برگشت

پیکر نیما یوشیج (علی اسفندیاری) ۲۴ سال پس از خاموشی وی به زادگاهش یوش منتقل گردید. کالبد شاعر سنت شکن ایران روز ۲۵ شهریور با حضور جمع کثیری از هنرمندان، هنر دوستان و مردم عادی از آمزاده عبدالله به دانشکده ادبیات تهران واز آنجا به سازمان میراث فرهنگی انتقال داده شد و روز بعد به یوش برده شد.



خانه نیما در یوش قرار است که به خانه فرهنگ و موزه نیما تبدیل شود و آثار باقیمانده او در آن به نمایش گذاشته شود.

امید به شعر شکست یا فلسفه شکست گراییده است. و آیا این ذهنیت شکست، با گرایش تاریخی ذهنیت ما هماهنگ است؟ یا که موقعیت و مشخصه ذهنی او صرفاً یک برآمد فردی و اختصاصی است؟

من این شکست اندیشی را یک مشخصه فرهنگی می‌دانم و به نظر می‌آید از آن باری گرفت تا ذهنیت و روانشناسی اجتماعی مان باز شناخته شود. من شعر امید را «سند» و «گواه» این ذهنیت فرهنگی دیرینه می‌دانم، نشانه‌های گوناگون فرهنگ خویش را در آن بازمی‌جویم، که اکنون بیش از هر چیز با «تناقضش» شناخته می‌شود.

در این جامعه چند نسل است که فرهنگهایی با گرایشها و ارزشهای مادی و معنوی مختلف با هم برخورد داشته‌اند. آن هم نه بگونه‌ای که یکی «نو» از دل دیگری «کهن» برآمده باشد. این یک پیش شرط و مقدمه حضور آن یک شده باشد. بلکه هر دو در برابر هم به سخت جانی مستقر مانده‌اند. و جامعه نیز در انتخاب یا ترکیب یا نفی و پذیرش آنها همچنان گیج مانده است. و بیش از صد سال است که نتوانسته است میان آنها یگانگی و هماهنگی پدید آورد. نه نتوانسته است از سنت دیرین دل بر کند، و نه خواسته است از ارزشهای نو چشم پوشد. همه مبارزه‌ها و تلاشهای اندیشمندان صرف این شده است که راه حلی برای این «تناقض» بیابد. حال آنکه «تناقض» همچنان برقرار مانده است. و خود به یک مشخصه تعیین کننده تبدیل شده است.

اکنون فقدان امید، خود انگیزه‌ای قوی برای باز شناسی این بخش از وجود خود ما پدید آورده است. اگر او اکنون ما را تنها گذاشته است، شعرش را همچنان برابر ذهن ما گرفته است، و شعر او سند این ذهنیت جامعه است. فقدان او تا مل در این سند فرهنگی را به یک درخواست اجتماعی تبدیل می‌کند. و من از این ضرورت یا نقد خویشم روی بر نمی‌گردانم. و به نظر من خود کردن با فقدان امید نیز، تداوم یا باز یافت دوباره همین درد دیرینه است که او با روشنی آن را به ما منتقل کرده،

و «تناقض» دیرینه مان را بویژه در اندیشه مبارزه و شکست، به ما شناسانده است.

گفتم که امید از یک سو به مبارزه و عدالت اجتماعی چشم دوخته است، و از سوی دیگر آدمی و راه و روش هستی را کاملاً به انتقاد و طعن و طنز گرفته است. اما درونش نیز از همین انتقاد و در همین انتقاد سوخته است. گویی در حقیقت خودش را به انتقاد گرفته است. همچنان که اکنون ما نیز، خود را در نقد معرفت شناسی او به انتقاد گرفته ایم.

امید در این دوگانگی فرهنگی، یکبار به دگرگون کردن سرنوشت انسان می‌گراید، یکبار نیز به نفی هر گونه کارایی در انسان، و در نتیجه به بیهودگی جهان کشیده می‌شود. این نفی و انبیا و پذیرش و انکار، حتی او را وامی‌دارد که راه حلی التقاطی پیشنهاد کند، و گذشته و اکنون را آشتی دهد.

... پس از هر شکست، هر کس و هر گروهی با آن به گونه‌ای روبرو می‌شود. گروهی از هر گونه اعتراف به شکست می‌هراسند. (حال آن که ترس از اعتراف به شکست، ترس از بررسی و نتیجه گیری منطقی از شکست، خطرناکتر از خود شکست است. از شکست باید آموخت، باید آنچه را غلط اندیشیده یا انجام شده است، دوباره به شیوه‌ای بهتر اندیشید و انجام داد.)

گروهی دیگران را متهم کرده، گناه شکست را به گردن آنها

می‌اندازند و خود را امیرا یا حتا بر کنار از اصل حرکت می‌شمارند. گروهی نیز هر گونه احساس و اندیشه معطوف به مبارزه یا حتا سیاست را می‌بوسند و کنار می‌گذارند. و در پوسته ضمیمی فرو می‌روند، و به خود پناه می‌برند. در این میان گروهی نیز به نفی کل حرکت و آرمان و جهان



می‌گرایند، و نه تنها به اکنون که به گذشته و آینده نیز ناچار می‌شوند. به نظر من منطق توجیهی شکست خوردگی دیرینه در جامعه ما، ملغمه‌ای از تمام اینهاست. ما با یک شکست، هم از جهان کناره می‌گردیم، هم کناره گیری خود را به پای اعتراض به این هستی نامناسب می‌گذاریم. در این قهر و کناره گیری یا نمی‌توانسته یا نمی‌خواستیم در برابر این «شکست» آمد. درون نگری و پیرایش ذات خویش، برای حرکت دوباره در ما صورت نمی‌گرفته است. بلکه یکسره به توجیه و تعبیر خویش در پذیرش یک حالت و حرکت به سر آمده می‌پرداخته‌ایم. شاید هم رفتار و پندار ما نتیجه آن بوده است که از بس شکست می‌خورده‌ایم، دیگر تاب ارزشی تازه بر ایمان نمی‌مانده است.

نمی‌خواستیم یا نمی‌توانسته‌ایم ذات تناقضی را باز شناسیم که شکست خوردن در آن یک سنت و بپی آمد دیرینه بوده است. جالب توجه ترین بخش این ذهن توجیه گر، آن است که همواره سخن گفتن از شکست یا حتا نالیدن از آن را به پای ادامه اعتراض و مبارزه می‌گذاشته است.

اکنون جا دارد که به ریشه‌ها نژاد بکتر شویم، و آنها را در دل دوران نهضت ملی باز یابیم تا رابطه این شکست اندیشی و تناقض فرهنگی روشنتر شود. برای این منظور، باید به دو مساله اساسی به هم پیوسته توجه کرد:

۱- آمیختگی ارزشهای نو و کهن و تناقض و ناهمزمانی فرهنگی در دوران ما.

۲- وضع ذهنی ما در دوران نهضت ملی.

دوره نهضت ملی دوره ویژه‌ای است در جهت رشد گرایش به ارزشهای انسانی نو که فرهنگ نوبر آن تا کید می‌کند. در این دوره طرح ارزشهای انسانی، بویژه با هدف عدالت اجتماعی برای مردم، مهمترین مساله‌ای بود که در گرما گرم درگیریها و کشمکشها، گاه نیز سیاست بازیهای بازیگران صحنه، شاخکهای حساس و عاطفی انسانهای پرشور، از جمله شاعران دوران را به خود جلب می‌کرد. در پس پرده بعضی از بازیها هر چه بود، بود. آنچه حرکت و مبارزه را برای شاعران جوان و نواندیش آن زمان، پر کشش و هیجان آمیز کرده بود، رویگرد جمعی جنبش به حقوق و ارزشهای انسانی بود که در سراسر فرهنگ سنتی و تاریخ استبدادی ایران یا مطرح نبود، یا سرکوب شده بود، و اگر هم جنبش مشروطه فتح

بابی در آن کرده بود، چیزی نگذشته بود که باز در بر همان پاشنه قدیم گشته بود.

اما تجربه اجتماعی مادر راه باز یافت ارزشهای نو، چندان کم و نارسا بود که هستی سبیل آسای به راه افتاده، تاب و توان و امکان رعایت موازین و معیارها را نداشت. بویژه که در برابر یاد دل خود نیز عوامل باز دارنده و ویرانگر و دفع کننده بسیاری داشت. به همین سبب نیز حرکتی نا پالوده بود که بر شیب فرو می‌رفت، و در نتیجه دستخوش همه گونه ناملایم و نوسان و افت و خیز می‌توانست بود که بود.

در اینجا قصد تحلیل و بررسی مسائل نهضت ملی در میان نیست، بلکه اشاره می‌کنم به این که هر دلیل و علتی برای شکست می‌شناسیم و هر عاملی هم که در کار بوده است، این نیز بوده که ذهن سیاسی-اندیشگی تاریخی مادر گرایش به این ارزشهای انسانی نو، یک ذهن بلوغ نایافته و معلق میان فرهنگهای مختلف بوده.

و عملاً همچنان در روش و کیفیت دیرینه سنتی خود مانده بوده است. و خود بخود نمی‌توانسته در مجموع، با آن دید عمیق و ضروری برای زیور و کردن و دگرگونی جامعه، هماهنگ و هم سنخ باشد. در نتیجه خود عامل بازدارنده خود نیز بوده است. هم گرایش دموکراتیک غالباً از سطح اندیشه‌های سیاسی، به سطوح شخصیتی و معرفتی و عرصه روانشناسی اجتماعی و ذات فرهنگی سرایت نکرده بوده، و هم فقدان دموکراسیسم، به سبب فقدان ریشه و زمینه و الزامات تاریخی و نهادی و عینی، یک عارضه عام اجتماعی بوده است. پس از بازگشت از ارزشها و ایده‌های دموکراتیک درونی نشده، و رویگرد دوباره به سنتهای اخلاقی و عادات و خو و خصلتهای دیرین نیز کاملاً امکان پذیر و طبیعی می‌بوده است. آنچه آن زمان پدید آمده بود یک برداشت کلی عدالتخواهانه از انسان و حقوق او بود، و یک حس شدید اجتماعی برای دفاع از چنین ارزشهایی در مبارزه. اما هنگامی که موج مبارزه فروکش کرد، عامل و محرک اصلی نیز از میان رفت. وقتی آنها از آسیاب افتاد، آن برداشت کلی و حسن اجتماعی نیز زیر نفوذ معیارها و ویژگیهای سنتی قرار گرفت.

ذهنی که حضور انسان، عشق انقلابی، درک جهان، درک جامعه را با معیارهای تازه، طی یک دوران طولانی زندگی تجربه کرده باشد، با ذهنی سنتی که طی یک آموزش مختصر و سریع، و با احساس خود انگیزه و در یک دوره گذرا و کوتاه به ارزشها و اصول تازه گرایده باشد، بسیار متفاوت است.

عدول این دو ذهن از چنین معیارها و ارزشهایی نیز با یک آهنگ انجام نمی‌گیرد. ذهن نوع نخست، ممکن است با درگیریها و شک و کشمکش طولانی و پودمانه، گاه از ارزشهایش، آن هم نه از همه ارزشهایش، عقب نشیند. یا گاه در آنها تجدید نظر کند، یا آنها را از این بدور افکند، یا ممکن است هرگز از آنها بازنگردد. اما برای ذهن دوم، بردن از این شاخه به شاخه‌های مهوود و شناخته پیشین بسیار آسانتر و طبیعی‌تر است.

در جوامع روبه دموکراسی، حتی آنجا که نمودی ظاهری از آن به چشم می‌خورد هر ارزشی از زندگی عموم، لحظه به لحظه و جزء به جزء تجربه می‌شده است و جزء شخصیت و روانشناسی افراد و ساخت اجتماعی می‌گردیده است. اما در یک جامعه استبدادی، که بر محور ذهنیت «شبان - رمگی» دیرینه می‌گردیده، طرح و ترویج چنین ادامه در صفحه ۹

مراسم بزرگداشت شهدای رستوران "میکونوس" در برلین

روز جمعه ۲۶ شهریور برابر با ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۳ بمناسبت سالگرد واقعه میکونوس که طی آن تروریستهای رژیم جمهوری اسلامی چهار تن از فعالین برجسته اپوزیسیون: دکتر صادق شرفکندي دبیر کل حزب دموکرات کردستان ایران، نوری دهکردی مبارز برجسته چپ، فتح عبدلی و همایون اردلان از کادرهای حزب دموکرات کردستان را به قتل رساندند. مراسمی در شهر برلین برگزار گردید.



رستوران میکونوس - قربانیان تروریسم رژیم اسلامی دوران میز نشسته بودند

ساعت ۱۳ دهها تن از ایرانیان مقیم این شهر بدعوت خانواده رفیق نوری دهکردی بر سر مزار او گرد آمدند. ابتدا خانم شهیده بدیعی همسر نوری سخنانی پیرامون رفیق نوری ایراد کرد، آنگاه چند تن از همکاران و دوستان نوری سخن گفتند و سپس پیام حزب دموکرات کردستان ایران، حزب سوسیال دموکرات آلمان و حزب سوسیالیسم دموکراتیک PDS قرائت گردید.

در این مراسم دهها دسته گل از طرف افراد و احزاب سیاسی از جمله سازمان ما بر مزار رفیق نوری دهکردی قرار داده شد. ساعت ۱۹ عصر همانروز بدعوت کمیته اپوزیسیون ایرانی علیه تروریسم برلین، کانون پناهندگان ایرانی در برلین، کمیته ایرانی دفاع از حقوق بشر (برلین) مراسم باشکوهی در سالن

خانه فرهنگها برگزار گردید که جمع کثیری از ایرانیان در آن شرکت نمودند. این گردهمایی پانوی نی، شعری از شفیع کدکنی و یک دقیقه سکوت بیاد این چهار شهید و همچنین سالگرد فاجعه ملی کشتار زندانیان سیاسی، آغاز گردید. سپس رفیق مهدی ابراهیم زاده یکی از شهدای واقعه، به شرح حادثه پرداخت و همچنین آخرین تلاش های دکتر شرفکندي را برای هماهنگی اپوزیسیون مورد یاد آوری قرار داد. آنگاه آقای پرویز

دستمالچی که او نیز شاهد ترور بود، از سوی کمیته ایرانی اپوزیسیون در تبعید علیه ترور، به شرح فعالیت های یکساله این کمیته پرداخت.

پیمائشی از طرف کانون پناهندگان ایرانی در برلین، انجمن فرهنگی دهخدا در برلین و شورای مرکزی سازمان به این مراسم فرستاده شد.

متن پیام شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بمناسبت سالگرد شهادت چهار مبارز آزادیخواه دکتر صادق شرفکندي، نوری دهکردی، فتح عبدلی و همایون اردلان: خانواده های ارجمند شهدا! رفقا و دوستان عزیز! اکنون سالی از واقعه هولناکی میگذرد که طی آن چهار تن از

جنگ بر سر قیمتها ادامه دارد

زمینه سازی های تازه ای برای افزایش قیمت نان صورت می گیرد

پس از کشمکش های فراوان میان وزارت پست و تلگراف و سازمان برنامه و بودجه سرانجام نرخ هربالس تلفن از اول مهرماه سال ۱۳۷۲ از ۸ ریال به ۱۰ ریال افزایش یافت. وزارتخانه با استناد به مصویات هیئت دولت در صدد افزایش قیمت هربالس به ۱۲ ریال بود. اما سازمان برنامه و بودجه، این وزارتخانه را به بی اطلاعی از مصویات هیئت دولت متهم کرد و نرخ جدید تلفن در سطح ۱۰ ریال به اجرا گذاشته شد. کفایتی است نرخ مکالمات تلفنی در فروردین ماه گذشته نیز افزایش یافته و به ۸ ریال رسیده بود. وزیر پست و تلگراف و تلفن علت افزایش مجدد مکالمات تلفنی را سرویسهای جدید ویژه مخابراتی و آماده نگه داشتن هرچه بیشتر شبکه مخابراتی اعلام کرد.

همزمان با افزایش نرخ مکالمات تلفنی، دولت در صدد افزایش نرخ گروهی دیگر از خدمات و کالاهای برآمد. روز ۲۱ شهریور از سوی مقامات مسئول اعلام شد که بلیط قطارهای مسافری از اول

مهرماه به میزان ۵۰ درصد افزایش خواهد یافت. اما روز بعد این تصمیم لغو شد. روابط عمومی وزارت راه و ترابری علت لغو این تصمیم را دستور ریاست جمهوری اسلامی ایران و مصوبه اخیر شورای اقتصادی مبنی بر منع هر نوع افزایش قیمتها اعلام کرد. روز ۱۷ شهریور ماه رئیس سازمان برنامه و بودجه در مصاحبه ای اعلام کرده بود که به دستور شورای اقتصاد، افزایش قیمتها تا پایان برنامه اول متوقف خواهد شد. اما علیرغم اعلام چنین تصمیمی اقدامات و زمینه سازی جهت افزایش قیمتها همچنان ادامه دارد. دولت مدتهاست در صدد افزایش نرخ تان است اما در این مورد حساس هنوز محتاطانه عمل می کند. روز چهارشنبه ۲۴ شهریور روزنامه ها از قول دبیر شورای آرد و نان چهار محال و بختیاری اعلام کردند که قیمت نان در کشور تعدیل خواهد شد. به گفته این مقام لزوم بررسی قیمت مصرفی نان ناشی از افزایش هزینه های جنبی و دست یافتن به نرخهای واقعی است.

گزارشی از جشن سالانه اومانیته

جشن سالانه نشریه اومانیته، ارگان حزب کمونیست فرانسه، امسال از دهم تا دوازدهم ماه سپتامبر همچون چند سال گذشته در پارک وسیعی در حومه پاریس برگزار شد.

گرچه فضای جشن تا حدودی زیر تاثیر خبر توافق غزه-ماریحا که هفته ای بیشتر اعلام شده بود قرار داشت، اما سیاست حزب کمونیست فرانسه و تغییرات تحولاتی که در این حزب در حال وقوع اند موضوع مرکزی جشن را تشکیل می دادند. حزب کمونیست فرانسه در تدارک بیست و هشتمین کنگره خویش است. در جهت سیاسی، کنگره باید برنامه ای برای خروج فرانسه از بحران، بحرانی که حاصل ده سال حکومت سوسیالیستها و راستهاست ارائه دهد. این برنامه باید خود حزب را نیز نو سازی کند و از آن حزبی بسازد که خلق فرانسه به آن احتیاج دارد؛ حزب باز برای تمام مردم. این سیاست زیر نام "کمونیسم بیشتر" بیان می شود و در وجه تشکیلاتی تا حذف اصل سانترالیسم دموکراتیک پیش می رود. حزب کمونیست فرانسه این اصل را کنار خواهد گذاشت.

جشن امسال نیز محکی برای ارزیابی از افت و خیزهای احتمالی، تواناییهای حزب کمونیست و برد سیاست آن در مقطع پرتلاطم فعلی بود. علیرغم پیش بینی خاصه نیروهای راست دایر بر این که پس از فروپاشی شوروی حزب کمونیست فرانسه نیز فرو خواهد پاشید در صدد آراء حزب در انتخابات اخیر اندکی نسبت به انتخابات پیش افزایش هم

یافته بود. این افزایش البته، چه بطور مطلق و چه نسبت به افزایش آرای راست، فوق العاده ناچیز بود. ساعت ۴ عصر روز سوم جشن اعلام شد که تا آن لحظه ۵۷۷۹۰۶ ۵۶۶۴ تن به عضویت حزب و ۳۰۰۰ تن به سازمان جوانان کمونیست فرانسه پیوسته اند. ۱۰۵۰۰ نفر هم نشریه اومانیته را مشترک شده اند. این آمار در مقایسه با آمار سال پیش تقریباً در تمام موارد ۲۰ درصد کمتر است. اما برای حزب کمونیست یک موفقیت نسبی محسوب شد.

به رسم هر ساله، برای شرکت در جشن از احزاب و مطبوعات چپ نیز دعوت شده بود. "کار" ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، هیئت از سوی شورای مرکزی سازمان و فدائیان خلق در فرانسه در جشن امسال حضور داشتند. رفقای فدایی در فرانسه بمناسبت جشن، ویژه نامه ای پیرامون سومین کنگره سازمان تهیه کرده بودند که در آن فشرده ای از مواضع کنگره در قبال اوضاع کشورمان و نیز جهان بیان شده بود.

جشن علاوه امکان مناسبی برای دیدار و گفتگو با سایر احزاب و مطبوعات شرکت کننده بود. هیات اعزامی از سوی شورای مرکزی سازمان در خلال جشن با نمایندگان گانی از احزاب چپ و کمونیست کشورهای فرانسه، لبنان، عراق، ترکیه، تونس، الجزایر، و مصر دیدار و گفتگو کردند. موضوع مرکزی تبادل نظرها توافق فلسطین و اسرائیل و تحولات منطقه بود. نمایندگان شورای مرکزی سازمان اوضاع کنونی ایران، اوضاع

رابطه با آمریکا؟ کشاکش تازه

جسورانه و بی ادبانه ترکیه را متوقف سازد، نقد بنه و سرمایه های بلوکه شده را باز پس گیرد، بسیاری از مشکلات با سایر کشورهای غربی را تخفیف دهد، اجرای بقیه مواد قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت را امکان پذیر سازد و از شورای امنیت به نفع جهان اسلام بهره گیرد.

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی با انتشار بیانیه ای کوشیده است به یکایک موارد فوق پاسخ دهد. سازمان مذکور در مقدمه بیانیه خود نوشته است: "سازمان دیدگاههای منفی افراطی، آنارشستی کشور و بی هدفی را که ایجاد هرنوع ارتباطی را با آمریکا در هر شرایطی، خلاف اصول انقلاب و شرع میدانند، تایید نمی کند. سازمان بر این باور است که مذاکره و مصالحه با دشمن به هیچ وجه ناقض اصول اعتقادی و انقلابی ما نیست... اما قویا بر این باوریم که هرنوع مذاکره و مصالحه ای باید در موضع قدرت و یاد دست کم با داشتن اهرم مناسب صورت پذیرد. مذاکره ضعیف با قوی، حاصلی جز تسلیم بدون قید و شرط طرف ضعیف ندارد. بیانیه ادعای تبدیل شدن ایران به یک ابر قدرت منطقه ای را یک شوخی و شعار تو خالی میدانند و مذاکره احتمالی بین ایران و آمریکا در شرایط کنونی را شبیه مذاکرات صلح ورسای پس از شکست آلمان و مذاکرات عراق و آمریکا پس از شکست عراق در جنگ خلیج فارس مینامند که جز خواری و تسلیم نتیجه ای ندارد.

بیانیه معتقد است آمریکا در تحقق استقرار نظم نوین جهانی در صدد سرنگونی کلیه نظامهای

مستقل از خود و بویژه نظامهای مستقل نفت خیز خاور میانه و شمال افریقا است و بحث صلح و سازش دست کم از سوی آمریکا بطور جدی و واقعی مطرح نیست. سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی معتقد است استراتژی کنونی ایران باید به جای همکاری با آمریکا در جهان و منطقه بر محور این سوال تنظیم شود که در دوره انتقال کنونی جهان چگونه می توان شرایط قدرت جهان خوار را حداقل از انقلاب و نظام اسلامی کم کرد.

چگونگی تنظیم مناسبات با آمریکا مدت ۱۵ سال است که ستیز و کشاکشهای فراوانی را در حکومت اسلامی پدید آورده است. اما این موضوع تنها به حکومت محدود نمانده و احزاب، سازمانهای سیاسی و تمامی جامعه را نیز بخود مشغول داشته است. سازمان مادر مواضع اخیر خود و بویژه پس از روی کار آمدن کلینتون لزوم برقراری روابط عادی با آمریکا را بصراحت مورد تاکید قرار داد. به اعتقاد ما سیاست خارجی ما جراحی جوانه سران جمهوری اسلامی تا کنون لطمات بی شماری به منافع کشور ما وارد کرده است. مادر عین دفاع از لزوم برقراری رابطه با آمریکا نسبت به چگونگی این رابطه و لزوم برقراری مناسبات صحیح و سازنده و عادلانه نیز هشدار داده ایم. ما ضمن رد دیدگاههایی که نجات ایران و رهایی از مشکلات را در گرو نزدیکی شدن ایران به آمریکا و به تعبیر صریحتر آمریکایی شدن حکومت ایران میدانند، معتقدیم که بسیاری از گرفتاریهای ایران بخاطر سیاستهای جهان خوارانه آمریکاست.

گزارشی از ایران

کاش میدانستم به اندازه قرص خورشیدی یا کاش تاریک بودم به اندازه شب ولی ستاره‌های هستم گرفتار در شبی

قطعه‌ای از یک شعر جلال سرفراز

رادر خیابانهای کلکته نشان دهند.
حتی در تهران، تبریز و شیراز مناظر
مشابه پدیدار خواهد شد.
رفسنجانی بعد از پیروزی در
انتخابات به مردم امید می‌دهد که
آینده‌ای درخشان در انتظارشان
است. در برنامه ۵ ساله دوم محصول
تلاش ۵ ساله اول برداشت خواهد
شد. عدم توانایی در جلب
سرمایه‌های خارجی، بحران
اقتصادی شدید (بی اعتبار شدن
بانک مرکزی، قطع اعتبارات ایران
در خارج) فروش نفت به قیمت
بشکه‌ای حتی عادلان، رشد فاجعه بار
جمعیت، خصوصی کردن بی‌رویه،
عدم وجود برنامه‌های اجتماعی
برای آینده و درگیری بر سر قدرت در
درون رژیم شاخص‌های اوضاع
کنونی جامعه است.

محصول برنامه ۵ ساله اول وجود
انواع کالاها لوکس رنگارنگ
(تومبیل، لوازم صوتی و...) در
بازار است و فقدان نخ بخیه و سرم که
مردم باید خود آنرا از بازار سیاه تهیه
کنند.

من شخصا از کادر رفسنجانی
(ثلاثه نوربخش، عادل و
رفسنجانی) امیدارانه برنامه توسعه
اقتصادی نداشته و ندارم. رفیقی
توده‌ای که متأسفانه همچنان به
دنبال یافتن عناصری از عدالت
خواهی در اطرافیان امام بود و شیدا
به رفسنجانی امیدوار بود، امروز
می‌گوید که اینها راست، مرتجع و
دزد هستند ولی اینها که سیر شدند
باید فکری به حال این کشور بکنند.
چرا که هر سیستم دیگری که روی کار
بیاید، باز مدتی دزدی و چپاول
شروع خواهد شد تا جیب
سردمداران بشوید. بگذار
عده‌ای هم اینطور امیدوار باشند.
ولی امید من اینست که سیستم
جمهوری اسلامی که سدر راه ترقی
کشور است از میان برود. این واقعیت
است نه آرزو. من وقتی اوضاع را
بررسی می‌کنم، درگیری قهر آمیز
مردم و رژیم را اجتناب ناپذیر
می‌دانم ولی امیدوارم که نقش قهریه
حداقل برسد. و اما نیروهای سیاسی
ایران، بنظر من باید استراتژی تهیه
کنند. این مشخص است که یک‌دست
صدا ندارد. جبهه‌ای وسیع با
شرکت همه نیروهای موجود ضروری
است. خطر فعلا تنها از جانب
مجاهدین است. بخصوص که غرب
تلاش می‌کند آنها را در صدر
اپوزیسیون قرار دهد.

عناصری که بر اساس آنها
جبهه‌ای می‌تواند شکل بگیرد، بنظر
من ناسیونالیسم و دموکراسی هستند
سیستمی که می‌تواند سترکار بیاید
باید دموکراتیک و ملی باشد. باید
سیاست و اخلاق را بتواند با هم آشتی
دهد. به عبارتی پیدایش مصدقی
دیگر نیاز کشور ماست. من فکر
می‌کنم رفقا هم دیگر از آرزوی نظامی
بر اساس دیکتاتوری پرولتاریا
صرف نظر کرده‌اند. برای این تفکرات
من جایی در آینده نمی‌بینم. در ضمن
به عنصر ناسیونالیسم اشاره کردم.
باید توضیح بدهم که بخاطر خلاء
ایدئولوژیک موجود در جهان مردم
خواه ناخواه به این نگرش روی
می‌آورند. ما باید امیدوار باشیم که
ناسیونالیسم ایرانی نقش بزرگی ایفا
کند، چرا که تنها در این صورت
می‌توان از فروپاشی ایران جلوگیری
کرد.

شده اند ما در داخل از فشار کمیته و
سپاه گرفته تا موشک‌های صدام و بازار
چپاولگر، همه را تحمل کرده‌ایم. ما
به مقاومت خودمان افتخار می‌کنیم.
با اینحال فکری کنیم بتوان در آینده
دوباره این دو بخش را پیوند داد.
البته در صورتیکه اوضاع اینطور که تا
بحال بوده، ادامه نیابد. رفقا در
داخل باید این احساس را پیدا کنند
که رفقای رهبری بیشتر مارکسیست
هستند تا سوسیالست. تلاش باید از
طرف خارج صورت پذیرد. چرا که
تلاش برای ایجاد امکانات از آنسو
بیشتر میسر است.

بحث هویت کردیم. می‌خواهم
هویت خود را مشخص کنم. من خود
را یک چپ می‌دانم و خود را در این
دنیا تنها احساس نمی‌کنم. هر چند
که در آمریکا و اروپا احزاب چپ
کلاسیک قوی وجود ندارد. اما به
نظر من توده‌ای که می‌تواند به جرات
بگوید حداقل ۲۰ تا ۳۰٪ جامعه غربی
را تشکیل می‌دهد چپ فکری کند.
ما چندان هم بی‌خبر نیستیم. ما به
مبارزه سندیکاها و کارگری فرانسه
و آلمان افتخار می‌کنیم و میدانیم که
این تشکل‌ها نتیجه ده‌ها سال تلاش
کمونیست‌ها و سوسیال دموکرات‌ها
می‌باشند.

من می‌دانم که تفکرات مارکس
برای من عزیز است. زیرا که من
نمی‌خواهم به وجود بی‌عدالتی در دنیا
عادت کنم. آنها که صحبت از مرگ
کمونیسم و مارکسیسم می‌کنند تنها
آرزوی خود را بیان می‌کنند. واقعیت
این نیست. نظم نوین جهانی را
بررسی کنید مشخصا برای جهان سوم
تنها فاجعه به ارمغان آورده است.
جنگ خلیج، تهاجم عربان آمریکا و
بشعوبانانش به آفریقای گرمه
(تسخیر سومالی برای در اختیار
داشتن منطقه استراتژیک شاخ
آفریقا است و نه جلوگیری از فاجعه
گرسنگی در آن کشور) سرکوب حتی
در داخل آمریکا ایحاد وحشتناکی
دارد. وقایع لس آنجلس ناشی از
عصبان سپاه بوستون، مهاجران
آمریکای لاتین و سفتید بوستونهای
گرسنه آمریکا بود. من مارکسیست
هستم و برای دستیابی به عدالت
اجتماعی تلاش خواهم کرد. آنچه
در شوروی و اروپای شرقی اتفاق
افتاد هم، ناشی از خواست مردم
برای رسیدن به یک زندگی بهتر بود که
من آنرا مثبت میدانم. آنچه منفی
است عنان گسیختگی بازار جدید و
خیانت سیاستمدارانی مانند یلتسین
است. و اما به بحث جامعه خودمان
برگردیم، تغییر و تحولات فراوانی در
جامعه صورت گرفته است، مثبت و
منفی، جامعه ما جامعه ۱۵ سال پیش
نیست. مردم مشکلات فراوان
دارند. برای خود من عجیب است
که چطور روند زندگی متوقف
نمی‌شود؟ چگونه مردم با اینهمه
مشکلات می‌سازند؟ سطح زندگی
اکثریت مردم شدت پائین آمده
است. اگر اوضاع اینطور پیش برود
دیگر لازم نیست که در برنامه
دیدنیهای تلویزیون وضع مردم هند

مردم ما یک دنیا کار وجود دارد. من
امروز این نظر خبرنگار واشینگتن
پست را قبول دارم که در صورت
وجود انتخابات آزاد در ایران بازم
رفسنجانی برنده است. این واقعیت
امروز است. چرا؟ زیرا که مردم ما
زیر فشار ۱۵ ساله جمهوری
اسلامی خسته و درمانده هستند. از
توده گرفتار نمی‌توان آزاد اندیشی و
آینده نگری دور از تعصب انتظار
داشت. آلترناتیوی برای رژیم وجود
ندارد. من در بهترین حالت، اگر
کاملا خوش بینانه به آینده بنگرم،
فردی مانند بازگان را آرزوی کنم
ولی حتا لیبرالها که امروز کمتر
سرکوب شده اند تا توان هستند. آنها
نیروی قابل توجهی نیستند.

ما چپ‌های ایران باید بدانیم
که اگر می‌خواهیم نیروی جدی
باشیم باید راهی مشترک پیدا کنیم و
بدانیم که با مردمی مذهبی و خسته از
سیاست سروکار داریم. باید توهم
رفرم از بالا، انتخابات آزاد و غیره را
از سر بیرون کنیم. در تدارک
جبهه‌ای ملی باشیم ولی هویت خود را
حفظ کنیم.

رفیق دیگری اینطور
می‌اندیشید:
در خارج از کشور تحولات در
مسیر خود صورت می‌پذیرند.
نمی‌دانم رفقای سازمان در خارج از
کشور چه می‌کنند. ولی میدانم که ما
به راه قدیمی وفاداریم. سرنوشتی
رژیم دور نیست. خیزش مردم مانند
وقایع مشهد با زبایش خواهد آمد،
وظیفه ما آمادگی برای کمک به مردم
در این شرایط خواهد بود. درگیری
مسلحانه با رژیم اجتناب ناپذیر
خواهد بود... امیدوارم رفقا مانند
کادراهی حزب توده، بعد از پیروزی
انقلاب به کشور بازنگردند. اینبار
دیگر شانس برای حزب توده‌ی
دیگری نیست.

سؤال: ایجاد رژیمی کمونیستی
بازور اسلحه که آینده‌ای مشخص
دارد هدف توست؟
هدف انجام وظیفه به عنوان
یک نیروی چپ است. بگذار
مجاهدین و لیبرالها کار خود را
بکنند. راه بیژن و مسعود راه ماست،
ولی اینکه بعد از انقلاب چگونه باید
عمل کرد، الگوی من ساند نیست.
های نیکاراگوه هستند. ما خود را به
جامعه تحمیل نخواهیم کرد ولی
هویت خود را بعنوان مارکسیستهای
انقلابی حفظ خواهیم کرد.
همفکران و رفقای من نسل آینده
کشور هستند.

نظر چهارم می‌گوید.
تلاش رفقا در خارج از کشور
بنظر من قابل ستایش است. هر چند
که ما در داخل (اعضا و هواداران
سازمان) عمدتا خود را فراموش
شده تلقی می‌کنیم و این احساس را
داریم که شرایط خارج تا تاثیر مثبتی
روی رفقا در خارج از کشور
نمی‌توانسته گذاشته باشد، چرا که
آنها عمدتا در دنیای پر زرق و برق
غرب زندگی کرده‌اند. بیشتر نشربه
خود را دریافت کرده و حتی چپ تر

بی‌توجهی به نیازهای جوانان (پیش از
۶۰٪ جمعیت کشور زیر ۲۵ سال
است) عوارضی چون گسترش فحشا
و اعتیاد، انحطاط اخلاقی و شیوع
بیماری‌های روانی ایجاد کرده است.
نتیجه اینکه مردم ما قدرت خلاقه
فکری خود را از این فشار از دست
داده‌اند. مردم به حقوق انسانی
خود، به آزادی‌های شخصی توجه
کافی ندارند زیرا که فشار اقتصادی و
عواقب آن آنها را کاملاً درگیر یافتن
لقمه نان برای رفع نیازهای
لحظه‌ای خود کرده است.

رژیم جمهوری اسلامی؟
رژیم ارتجاعی جمهوری
اسلامی تکامل یافته است. بعد از
مرگ خمینی، رفسنجانی و
خامنه‌ای، جامعه روحانیت مبارز،
فیضیه قم، همه و همه می‌دانستند که
دیگری نمی‌توان با شعار پرچم اسلام
حکومت کرد. داشتن نظام
اقتصادی با ثبات، امنیت در جامعه و
... لازمه ادامه حکومت می‌باشند.
رژیم پس از تمام جنگ عمده پایگاه
توده‌ای خود را از دست داده است.
نارضایتی فراوان در هواداران
باقیمانده رژیم (بظورتال در سپاه)
مشهود است. رفسنجانی عامل
وجود آمدن فضای شد که عده‌ای از
روشنفکران و باید گفت اکثریت مردم
را ناگزیر به آینده رژیم
امیدوار می‌کرد. حتی از امکان
استحاله رژیم صحبت به میان آمد
ولی امروز من محققا می‌دانم که
رفسنجانی و اطرافیانش برای
حسابهای بانکی خود در خارج از
کشور تلاش می‌کنند. رفسنجانی
آدمی زیرک، با نفوذ و فاسد است این
را همه تکنوکرات‌هایی که با او کار
کرده‌اند می‌دانند. بطور مثال
می‌توان به گرفتن امتیاز تومبیل‌های
ساخت کره جنوبی

DEWU
SUPRA و HINDA
سرمایه‌گذاری در مراکز صنعتی
سیرجان، ساختن بازار مرجان در
کیش از جانب پسرهای رفسنجانی
اشاره کرد که اغلب مردم کشور از آن
آگاهند.
امروز کسانی چون دکتر
حبیب‌الله پیمان و مذهبی‌ترین
لیبرالها که بسیار امیدوار بودند،
از شکست برنامه ۵ ساله اول و
بدون آینده بودن برنامه دوم صحبت
می‌کنند. در نتیجه حتی امید به
شکل گرفتن جناحی نیست که
سرمایه‌گذاری را در کشور سرو
سامان دهد و راه رشد متعدالی را
برای سرمایه‌داری تامین کند.
رفرهای اساسی اجتماعی و سیاسی
که جای خود دارد.

حالا چه باید کرد؟ رژیم باید
برود. این است راه حل. رژیم
سراسر فاسد ملایان باید برود. اما
چگونه؟ باید که روشنفکران و
اندیشمندان جامعه‌ی ما بقیل شاملو
ریاضت بکشند. چرا که کاری عظیم
در پیش است. اخگر حقیقت در زیر
خروارها خاکستر خدعه و نیرنگ
مدفون شده است. برای آگاه کردن

بسیاری از سئوال‌ات برای مادر
داخل کشور مطرح است. فروپاشی
بلوک شرق مانند شوک الکتریکی
بود. ما دوباره شروع به فکر کردن
کرده‌ایم و نظراتی داریم که شاید
پخته نباشند ولی بالاخره نتیجه تفکر
مستقلانه و آزادانه ماست.
جامعه ما چگونه جامعه‌ای
است؟ مردم ما چگونه زندگی
می‌کنند؟
میزان فشار در جامعه امروز ما به
حد بی‌سابقه‌ای رسیده است. رشد
جمعیت به میزان ۳/۲ درصد در سال
، بحران اقتصادی وحشتناک، وجود
۶ میلیون معلول در جامعه (۱۰٪ کل
جمعیت) شیوع خشونت در جامعه،

یکی از دست‌دران سازمان ما که در خارج از کشور
زندگی می‌کند اخیرا به ایران سفر کرده است. او در این
سفرهای صحبت تعدادی از فعالان سابق سازمان که
کماکان به مسائل سازمان و جنبش علاقمندند، نشسته
است. وی در بازگشت پس از بررسی نظرات رفقا ۴
دیدگاه را بعنوان شاخص انتخاب نموده، مطلب زیر را
بر اساس آن تهیه کرده است.

آنچه یویژه جلب توجه می‌کند، تنوع نظرات
رفقا است که ناشی از تاثیر رویدادهای تکان دهنده
سالهای اخیر در جهان و ایران می‌باشد. علاوه بر آن
حساسیت جدی رفقا به کوچکترین تحولات در جنبش و
بخصوص سازمان قابل تاکید است. طیف نظرات رفقا
با وجود تفاوت‌های معنی‌به‌وسعت این طیف در خارج از
کشور می‌باشد. آنچه که از نظر دوست ما اهمیت شایانی
دارد انتظارات رفقای داخل از فعالان سیاسی خارج
است که جایگاه در خلال این نوشته به آن بر می‌خوریم.

همه حاکی از آن بود که سرنوشتی رژیم
شاه تنها یک اشتباه تاریخی می‌تواند
باشد.
تا آنجا که به روشنفکران چپ
کشورمان مربوط می‌شود ما بازم
جواب وابستگی حزب توده به شوروی
را خوردیم. اسکندری به عنوان دبیر
کل حزب توده، راه حل ایرانی
پیشنهاد می‌کرد و حمایت از
شریعتمداری در مقابل خمینی و فشار
به رژیم برای رفرم سیاسی راه حل
خروج از بحران جامعه می‌دانست
ولی اوضاع در شوروی به نفع
کیانوری بود.

پونا ماریف والیا تفکیکی مدافعین
تزاره رشد غیرسرمایه داری که شعبه
بین المللی حزب کمونیست اتحاد
شوروی را قبضه کرده بودند،
کیانوری را که دارای نظرات
حمایتگرانه از خمینی (خط امام)
بود، فرد مناسبی برای تصدی پست
دبیر کلی حزب توده ایران
می‌دانستند. ما می‌توانستیم در آن
زمان بعنوان نیروی چپ، با استفاده
از نظرات اسکندری به بهترین وجه به
مردم خود خدمت کنیم.

روشن است که من خود را دیگر
پیرو راه بیژن جزینی نمی‌دانم. من
بعنوان یک روشنفکر، دموکرات و
رفرمیست، راه حل غلبه بر معضل
کنونی (جمهوری اسلامی) را با توجه
به تجربه‌های گذشته، اولاد در کار
روشنگرانه در میان توده‌های مردم،
تأیید در کار نیست تدابیر مناسب برای
ایجاد فشار به رژیم برای ایجاد رفرم
در بالا بصورت صحیح، مناسب و
سریع، می‌دانم.

مسلم است که شکل گیری جبهه
روشنفکران مبارز دموکرات، شرایط
را برای رویارویی رژیم و مردم
مناسب خواهد کرد، یک چیز روشن
است. جمهوری اسلامی داوطلبانه
امتیاز نخواهد داد ولی اعمال قهر هم
جز خونی‌ریزی نتیجه‌ای نخواهد
داشت. من خوشحال هستم که
نشانه‌هایی از ایجاد سوسیال
دموکراسی در ایران را می‌بینم. چپ
کلاسیک نه پشتوانه‌ای و نه شانس و
نه حاصلی برای کشور ما دارد.

اما نظرات دیگری هم هست،
برای نمونه این نظر:
بسیاری از سئوال‌ات برای مادر
داخل کشور مطرح است. فروپاشی
بلوک شرق مانند شوک الکتریکی
بود. ما دوباره شروع به فکر کردن
کرده‌ایم و نظراتی داریم که شاید
پخته نباشند ولی بالاخره نتیجه تفکر
مستقلانه و آزادانه ماست.
جامعه ما چگونه جامعه‌ای
است؟ مردم ما چگونه زندگی
می‌کنند؟
میزان فشار در جامعه امروز ما به
حد بی‌سابقه‌ای رسیده است. رشد
جمعیت به میزان ۳/۲ درصد در سال
، بحران اقتصادی وحشتناک، وجود
۶ میلیون معلول در جامعه (۱۰٪ کل
جمعیت) شیوع خشونت در جامعه،

مجموعه دیدگاه‌هایی که در زیر
آمده، مربوط به رفقای داخل کشور
است، منظور از تهیه آن نیز کمک به
رفقای خارج از کشور است تا بتوانند
شرایط موجود کشورمان را واقعی‌تر
ببینند. به این منظور در ابتدا قطعه‌ای
از نامه یک رفیق را که اخیرا دریافت
کرده‌ام، برایتان می‌نویسم. نگرش
این رفیق تا آنجا که من در سرم به
ایران تجربه کرده‌ام، منعکس کننده
روحیه عمومی اغلب روشنفکران
ایران است.

۱- برسیده بودی وضعیت
زندگی در ایران چگونه است؟
زندگی گیمان یک روز غم انگیز
او اخیرا پیروزمی‌ماند که هوا صاف
است و درختان برهنه گستاخانه سر
به فلک کشیده‌اند، گرد مرگ بر روی
خانه‌ها پاشیده شده و مردم افسرده و
کسل‌اند. همه چیز گویی بی‌حرکت و
ایستاست. زمین‌های متروک در
کبودی افق، تپتی از همه چیز با
آسمان رنگ باخته‌ای که باد سرد و
غم افزایی برای گل‌های یخ زده به
ارمغان آورده، درهم می‌آمیزد.
چرخ زندگی به کند می‌گردد.

برای ما زندگی غیر از کوهی از
مشکلات نیست، مصائبی که رفیق
آنها هیچ چیز نمربخش و خوشحال
کننده‌ای به دنبال نمی‌آورد... افق
روشنی رویت نمی‌شود.
تلاش روشنفکران و
اندیشمندان جامعه چه در داخل و
چه در خارج کشور هم بنظر من چون
آفتابی با بیزی است که کوره راه‌های
پیچ در پیچ و خانه‌های مخروبه مردم
حقیر و وقت انگیزی را که با مال و
رنج، در بطالت جان می‌کنند و به
مشغله‌های پوچ سرگرمند، روشن
می‌سازد.

راستی آنجا چه خبر، رفقا چه
می‌کنند؟ آیا زمان آن نرسیده است
که بنشینیم و فکر تازه‌ای به حال این
کشور بکنیم؟ بنظر من به خطا
رفته‌ایم و باید از آن درس گرفت. اگر
بخواهیم تأثیری در آینده بگذاریم
باید از تجارب گذشته استفاده
کنیم. بنظر من رژیم شاه با وجود
وابستگی به غرب، لیبرال و قابل رفرم
بود. اختلاف نظری رژیم شاه و
دستگاه حاکمه آمریکا باعث شد که
کارتر رئیس جمهور وقت آمریکا به

بهبانای حقوق بشر دست از حمایت
رژیم شاه بردارد. عدم صدور حکم
نهایی سرکوب اغتشاشات از همینجا
ناشی می‌شود. من عمیقاً برای
شهدای وقایع سالهای ۵۷-۱۳۵۶
احترام قائل هستم، اما با جرات
تمام می‌گویم که فشار مردم برای
رفرم رژیم شاه و عملی شدن پیشنهاد
شریعتمداری (شاه بماند و سلطنت
بکند و نه حکومت) بهترین آلترناتیو
برای ایران در آن سالها بود.

عدم وجود آلترناتیو مناسب در
مقابل رژیم شاه، خطر خمینی و
بنیادگرایی اسلامی و عدم رشد
سیاسی کافی مردم کشور و اوضاع
بین المللی از نظر سیاسی و اقتصادی،



بحثی پیرامون اوضاع اقتصادی ایران

اندیشه

استراتژی صنعتی دولت بر اساس اولویت دادن به سرمایه گذاری در بخش‌های صنعت سنگین نظیر ذوب فلزات، ساخت ماشین ابزار، تسویق تولید کالاها، مصرفی یا دوام نظیر اتومبیل و لوازم خانگی، ایجاد صنایع تغذیه‌ای نظیر روغن نباتی و شکر، ایجاد صنعت پتروشیمی قرار گرفته بود. لیکن رشد اقتصادی کشور هم از نظر جغرافیایی هم از نظر صنعتی بیش از حد ناموزون بود. تلاش چشمگیری در جهت ایجاد کارخانه‌های بزرگ و مدرن وجود داشت. این گونه صنایع عمدتاً در اطراف شهرهای مرکزی چند استان محدود قرار داشتند، بخش بزرگی از کشور همچنان گرفتار عقب ماندگی اقتصادی و فقر گسترده بود. این وضعیت بخصوص در مناطقی که محل اصلی تجمع اقلیت‌های قومی و عشیره‌ای بود مانند کردستان، سیستان و بلوچستان، ترکمن صحرا و حتی چهارمحال و بختیاری و مناطقی دیگر از این دست پنجو چشمگیری بر تراز سایر نقاط کشور بود. در این مناطق کشاورزی کاملاً عقب مانده بود و اکثر صنعت قابل توجهی جز صنایع دستی محدود نداشتند. ناموزونی مشابهی نیز در رشد بخشهای مختلف صنعت وجود داشت. مثلاً در حالی که رشد قابل توجهی در صنعت ذوب فلزات به چشم می‌خورد و سرمایه زیادی نیز صرف صنایع ماشین سازی شده بود، بدلیل عدم هماهنگی دورشته فوق با یکدیگر، همچنین عدم تطابق با نیازهای اقتصادی کشور، بخش عمده‌ای از تجهیزات و ماشین‌آلات صنعتی از خارج وارد می‌شد. صنعت گسترده نفت صرفاً برای صدور نفت خام احداث گردیده و علیرغم حضور بخشهای پالایشی نفت، هنوز مقادیر عظیمی از محصولات تبدیل شده نفت از خارج وارد می‌شد.

تغییرات اقتصادی به سرعت چهره جامعه و ترکیب طبقاتی آن را تغییر داد. شمار طبقه کارگر افزایش غیرقابل قیاسی با گذشته یافت. اقشار میانی جامعه با سرعت زیادی رشد یافتند. نیازهای رشد صنعت و ضرورت استفاده از تکنولوژی مدرن سبب بالارفتن سطح آموزش، افزایش مراکز آموزش متوسطه و عالی و پیدایش قشر جدیدی از افراد تحصیلکرده، روشنفکران و تکنوکراتها گردید. شمار زنان شاغل در عرصه‌های مختلف اقتصادی به حد چشمگیری رسید. سیاستهای اقتصادی - اجتماعی دولت، بالارفتن امکان اشتغال، کسب درآمد بیشتر در قلمرهای صنعتی، گسترش بوروکراسی دولتی و تمرکز آن در شهرها، زوال کشاورزی و روستا نشینی بر اثر سیاستهای متخذه توسط رژیم پهلوی، موجب افزایش مهاجرت روستائیان به شهرها و گسترش مناطق حاشیه‌ای شهرها، محله‌های فقیرنشین و حلبی‌آبادها گردید. شمار بیکاران و بیکاران پنهان مانند متکدیان، ولگردان، فواحش، فروشندگان خرده‌پای مواد مخدر همچنین دستفروشان، پادوها، شاگردان مغازه‌ها و... را گسترش داد.

دستاوردهای اقتصادی پهلوی حاصل برخورد منطقی و متناسب در جهت پیشبرد اقتصادی - اجتماعی با به عبارت دیگر بر پایه استفاده بهینه از منابع ملی کشور نبوده و اکثر در جهت نوعی بزرگ نمایی غیر واقعی طرحی و ارائه گردیده بود که در اوج این خود بزرگ بینی، خود را همراه عباراتی نظیر ایران ژاپن، خاورمیانه، ایران پنجمین کشور

صنعتی جهان، ایران در آستانه تمدن طلایی و... نشان می‌داد. از طرف دیگر مسایل اقتصادی مقولاتی مانند چگونگی مالکیت برابر تولید، میزان و چگونگی تقسیم درآمد سرانه کشور در جامعه، الگوی مصرف، رفاه و چگونگی توزیع آن در جامعه، میزان دخالت مردم در اداره امور اقتصادی و... را در بر می‌گیرد، کارنامه رژیم در کلیه زمینه‌های فوق منفی بوده و منجر به بدبختی و استثمار هر چه بیشتر اقشار محروم و زحمتکش جامعه و غارت غیر مسئولانه ثروت ملی شد. برندگان اصلی عبارت بودند از وابستگان رژیم پهلوی، اقشار مرفه جامعه، اقشار بالای بوروکراسی دولتی و شرکای تجاری ایشان همچنین واسطه‌ها و دلالان. بطور کلی رشد شتابان صنعت وابسته از محل درآمد های نفت، عدم حضور ابزارهای کنترلی لازم در جهت تامین توزیع عادلانه ثروت، تشدید نابرابری‌های اجتماعی، عدم تطابق ساختار اجتماعی اقتصادی شبه مدرنیستی پهلوی با ساختار اقتصادی - اجتماعی سنتی کشور و ضعف ارگانهای اقتصادی دموکراتیک را میتوان از مشخصه‌های اصلی این دوره دانست.

اقتصادی علیه کشور اعمال می‌شد منجر به تخریب زیر ساخت اقتصادی کشور و عدم ورود تکنولوژی لازم جهت انطباق آن با تغییرات پیش آمده در ساختار علمی-تکنیکی اقتصاد جهانی گردید. باید توجه داشت که بخش عمده‌ای از صنایع ایجاد شده در دوران پهلوی زائده‌هایی وابسته به شبکه اقتصاد جهانی بوده و عمدتاً دارای ارزشهای صادراتی لازم جهت رقابت با تولیدات صنعتی سایر کشورها نبودند و در عین حال با توجه به روند قدیمی شدن آنها و نیاز صنعت وابسته کشور به قطعات و ابزار نیم ساخته خارجی، میزان آسیب پذیری اقتصاد کشور در مقابل سیاستهای تحریمی قدرتهای اقتصادی جهانی در سطح بالایی بوده است. این خصوصیات موجب افزایش بحران در عرصه‌های داخل گردیده و حاکمیت راه‌های طرف اتکاء هر چه بیشتر به درآمد حاصل از فروش نفت سوق داده است.

جنگ طولانی ایران و عراق نیز تاثير مخرب بر اقتصاد وابسته به نفت ایران گذارد. طی هشت سال جنگ که عمدتاً در مناطق نفت خیز غرب و جنوب غرب کشور در جریان بود، صنعت نفت ایران دچار خسارتهای عظیم گردیده و سطح صادرات نفت کشور تا حد چشمگیری پائین آمد. شهرهای آبادان، خرمشهر، قصرشیرین و نفت شاه که از مراکز تولید و صدور عمده نفت کشور بودند بکلی نابود شده یا غیر قابل استفاده گردید. تاثير مجموعه عوامل فوق با ضافه هزینه‌های تسلیحاتی و سایر هزینه‌های ناشی از جنگ، اقتصاد کشور را تا حد ورشکستگی کشانده و دولت را مجبور به اتخاذ شیوه‌های اضطراری توزیع نمود. با توجه به مشکلات اقتصادی و بار ناشی از تحمیل جنگ و تحریم اقتصادی به کشور، دولت از سویی اقدام به پائین آوردن ارزش پول ملی در مقابل ارزهای خارجی، ایجاد سیاست چند نرخ ارز و تزریق پول بدون پشتوانه به اقتصاد کشور و از سویی از افزایش فروش نفت و استقرار ارز کشورهای خارجی، بعد از تحریم اقتصادی نمود. پائین آوردن ارزش پول ملی از سویی منجر به کاهش قدرت خرید توده‌ها گردیده و از دیگر سویی توجه، به سیستم‌های توزیع فاسد کشور منجر به تجمع گسترده سرمایه ملی در دست تعداد معدودی از وابستگان حکومتی، سرمایه داران بازاریارستانی، دلالان و مستکران گردید و سیاستهای چند نرخ ارز زمینه را برای

بلافاصله پس از پیروزی انقلاب بهمین، حاکمیت اسلامی ضمن تملیک اقتصاد دولتی و نیمه دولتی دست به مصدوره گسترده منابع و ارگانهای اقتصادی موجود در دست وابستگان رژیم پهلوی، سرمایه داران خصوصی که در موضع مخالفت با بی‌تفاوتی نسبت به دولت تجدید قرار داشتند زده و با الحاق ارگانهای غیر دولتی اقتصاد به دولت موجب رشد بخش دولتی اقتصاد گردید. گسترش بخش دولتی اقتصادی تنها ابزاری بود که امکان اعمال

کنترل بر سرمایه داری بزرگ سابقاً خصوصی و تکنیک بالای اداری و فنی، اقتصاد شبه مدرنیستی را در اختیار حاکمیت جدید گذارده و در عین حال ظاهر زینده و غیر استثمارگران با آرمانهای عدالت جویانه خیل عظیم توده‌های محروم شرکت کننده در انقلاب هماهنگی داشت. با فرآیند جایگزین شدن بوروکراسی وابسته به رژیم پهلوی به وسیله نوعی بوروکراسی مذهبی دولتی، به تدریج قشر جدیدی در ساختار اقتصادی کشور پدیدار گردید. این قشر با استفاده از امکانات موجود و توزیع غنائم و اختیارات بسبب خود به زودی تبدیل به قدرتمندترین طبقه تشکیل دهنده حکومت، بعد از روحانیت، گردید و در زمان پیگیری مثنی لیبیرالیزاسیون اقتصادی توسط باند رفسنجانی و ایجاد تسهیلات بیشتر برای بخش خصوصی و واگذاری صنایع، بیشترین نفع را برد. اعمال کنترل فوق العاده دولت بر کلیه عرصه‌های اقتصادی، بویژه عرصه‌های تولید صنعتی و تجارت خارجی و بستن دست سرمایه داران خصوصی وضعیتی را ایجاد کرد که اینان بخصوص آن بخش که در عرصه‌های تجارت داخلی و بازاریارستانی فعال بوده و یگانه قشر سرمایه داری مورد اعتماد حاکمیت بعد از پیروزی انقلاب بودند در شرایطی که میدان رقابت از حضور سایر شاخه‌های سرمایه خالی بود یا خیالی آسوده و با استفاده از کلیه امکانات قانونی و غیر قانونی از جمله ایجاد بازار سیاه و احتکار به انباشت سرمایه مشغول شود. در همین دوران تلاشهایی در زمینه برپایی انواع تعاونی‌های مصرف، خدمات یا تولید عمدتاً در زمینه‌های کم سرمایه به عمل آمد که در صورت موفقیت میتوانست بنیادهای لازم برای ایجاد نظام اقتصادی آلترناتیو در مقابل سرمایه داری دولتی و سرمایه داری خصوصی یا به عبارت دیگر پایه‌های نوعی اقتصاد مختلط را فراهم آورد. اینکه این هدف عملی بود یا نه و اصولاً زمینه‌های پیدایش این گونه اقتصاد مختلط در کشور وجود داشت یا نه بحثی دیگر است. اما این چشم اندازی بود که رژیم اسلامی طی سالهای اولیه استقرار خویش و با توجه به ترکیب نیروهای تازه به قدرت رسیده انقلاب در تعقیبش بود و آن را در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز منعکس نمود. با از هم پاشیدن سلطنت پهلوی و جایگزین شدن قدرت حاکمه جدید مسئله بازنگرایی به روابط اقتصادی کشور در ارتباط با شبکه جهانی اقتصاد خود را به صورتی اساسی نشان داد. اتخاذ مثنی انزوای اقتصادی در عرصه جهانی که بدون توجه به ساختار صنعتی وابسته کشور، در این مقطع در پیش گرفته شد به همراه تحریم اقتصادی گسترده‌ای که در نتیجه سیاستهای خصمانه و پرخاشجویانه حاکمیت، صدور انقلاب اسلامی و... از طرف سایر قدرتهای

انواع سوء استفاده‌های کلان مالی و تحمیل عواقب آن به گروه‌های اجتماعی محروم کشور را نمود. از طرف دیگر پائین آوردن ارزش پول ملی می‌توانست منجر به کاهش هزینه تولیدات داخلی و در نتیجه ارزانی آنها در مقیاس بین المللی گردد و زمینه را برای افزایش صادرات کشور آماده سازد، اما بنا به دلایل پیش گفته اکثر صنایع کشور دارای استعداد های صادراتی نبوده و بقیایشان در گروه بازاری داخلی بوده است. در عین حال صنایع موجود قادر به جوابگویی نیازهای بازاری داخلی نبود و در حالی که تقاضا با توجه به عوامل مختلف از جمله افزایش جمعیت افزایش می‌یافت، تولید و عرضه کالا متناسب با آن رشد ننموده و حتی سیر نزولی را در کل جامعه پیمود. فساد دستگاه بوروکراتیک کشور و عدم کنترل لازم بر چگونگی جابجایی سرمایه ملی، پائین بودن قابلیت جذب سرمایه در بخشهای تولیدی و صنعتی و ناچیز بودن سود حاصل از سرمایه گذاری در این بخش نسبت به سایر بخشهای اقتصادی و سایر عوامل از جمله نیازهای مقطعی بازار داخلی منجر به ظهور پدیده‌ای به نام سرمایه سرگردان در اقتصاد کشور گردید، جابجایی سریع سرمایه‌های سرگردان در عرصه‌های غیر مولد و غیر قابل کنترل بودن این جابجایی خود موجب بحران و تشدید کننده آن در عرصه‌های مختلف اقتصادی بوده و بنا بر ماهیت خود در تقابل با برنامه ریزی‌های اقتصادی قرار دارد. مجموعه نارسایی‌های اقتصادی و بحرانهای موجود در ساختار اقتصادی کشور، علیرغم تلاشی که مسئولان آن جمهوری اسلامی برای پنهان کردن یا ناچیز نشان دادن آن به عمل می‌آوردند به مرحله‌ای رسیده است که ادامه وضعیت فعلی را غیر ممکن نموده است. در سالهای پس از جنگ بدنبال ایجاد یک سری از تغییرات از جمله کاهش ارزش پول ملی، شناور تک نرخ کردن ارز، واگذاری و فروش سرمایه به بخش خصوصی تحت شعار آزاد سازی اقتصاد، تلاش در ادغام مجدد اقتصاد ایران در سرمایه داری جهانی در سطحی جدید تر و... دولتمردان جمهوری اسلامی مدعی هستند که اقتصاد ایران بتدریج در مدار قوانین خود پوی رقابت آزاد قرار گرفته است.

گذارد مجدد اقتصاد از بخش دولتی به بخش خصوصی، رابطه دولت با کل طبقه سرمایه داری کشور را وارد مرحله تازه‌ای کرده است، تجمع عظیم سرمایه مالی در دست بخش خصوصی، امکان کنترل بازاری ملی توسط جابجایی سرمایه‌های سرگردان، نفوذ سیاسی و سازماندهی مستقل بخشی از سرمایه داری ملی به ویژه بازاریارستانی که می‌توان مدعی شد سرمایه داری ایرانی برای نخستین باری است که دارای چنین توانی می‌شود، علیرغم قدرت سیاسی و نفوذ اقتصادی دولت، مسئله تقسیم مجدد قدرت را پیش کشیده است. این مسئله نه فقط در عرصه اقتصادی بلکه در کلیه حوزه‌های سیاسی- اجتماعی و فرهنگی نمایان است.

عرفات:

کشور مستقل فلسطین تشکیل می شود



در دو شماره گذشته "کار" مصاحبه های هفته نامه اشپیکل با حنان عشراوي و جرج حبش را به چاپ رساندیم. در این شماره، مصاحبه این نشریه را با یاسر عرفات رئیس کمیته اجرایی ساف درج

می کنیم. این مصاحبه در هواپیمایی که عرفات را از مراسم امضای قرارداد غزه - اریحا درواشنگتن به تونس باز می گرداند، انجام شده است.

بخوانند. در این متن، همه آن چیزهایی که آنها می گویند در قرارداد نیست، آمده است. اشپیکل: اما برخی مسائل مهم مانند حق بازگشت آوارگان فلسطینی به سرزمینشان که تحت اشغال اسرائیل است، مبهم مانده است.

عرفات: در این باره با اسرائیل مذاکره خواهیم کرد، البته دو سال دیگر. مهم این است که هیچ نکته ای در برده ابهام نماند. ما در این مورد دقت زیادی به خرج داده ایم. اشپیکل: با این حال، مخالفان صلح زودرس فلسطین و اسرائیل، نتیجه مذاکرات را ناچیز می دانند.

عرفات: آنچه ما درواشنگتن امضا کردیم، نه یک قرارداد صلح تثبیت شده در همه جزئیاتش بلکه نخست یک معاهده اصول است. ما بنیاد را گذاشته ایم. این برای ملت فلسطین و اسرائیل دهها سال حتی موجودیت او را منکر بود، خیلی مهم است. واقع بینانه نیست که در چنین مرحله ای، بخواهیم همه مسائل مورد اختلاف میان خود و اسرائیل را به یکباره حل کنیم.

اشپیکل: مخالفان، شما را متهم می کنند که امتیازات زیادی داده اید بدون اینکه متقابلاً برای فلسطینی ها حداقل حقوق را تضمین کنید. عرفات: من که منکر این نیستم که توافق نامه، شامل همه آن چیزهایی که آرزوی ما را در بر می گیرد، اما این توافق، بهترین چیزی بود که تحت شرایط کنونی جهان عرب و در چهارچوب نظم نوین جهانی قابل تحقق است.

اشپیکل: مخالفان، شما را همچنین متهم می کنند که تصمیمات مهم درباره مسائل سرنوشت ساز ملی را خودسرانه و بدون نظرخواهی از

ارزشها از ارزش افتاد، دنیا سیاه شد، زندگی دستخوش بازیهای بازرگان، و دستهای ناپیدا و بیگانه و بیگانه پرست و خائن و هزار صفت و موصوف ناباب دیگر تصور شد. تیر که به خط رفت، یا به سنگ خورد، یا که اصلاً شکست، اصل نشانه و انگیزه، به طعن و لعن و تمسخر گرفته شد. روی آوردنها، دل دادنها، حرکتها، و سرسپردنها نیز دستخوش توفان شد. یکی شکست، دیگری برید، یکی تلخ شد، یکی تاریک شد، یکی به نفرین گرایید، یکی به نفرت، یکی به قضا، یکی به قدر، و سرانجام روحیه معهود شکست بر باورها دوباره سایه افکند، تا حدی که همان ارزش برابر آدمی، که به احساس یا به اندیشه، یا به گواهی دل، یا از سر هر چه، بدان روی کرده بودند نیز دستخوش ناپاوری شد.

نشی کارایی آدمی با فرهنگ سنتی هماهنگی داشت، پس همان باب شد. همه چیز دروغ انگاشته شد. همه کس کلک و حقه باز... و همه سرگذشت و سرنوشت، مقدر و از پیش تعیین شده و محتوم تلقی

اسلو، به ابتکار ما صورت گرفت. اما مستقل از آن، بسیاری از روسای کشورهای عربی به ما کمک کردند. در این مورد به ویژه باید از دیلماسی محرمات حسن مبارک رئیس جمهوری مصر و نیز حمایت ملک حسن دوم پادشاه مراکش و کمک بن علی رئیس جمهور تونس قدر دانی کرد.

اشپیکل: به نظر می رسد روند آشتی شما با کشورهای خلیج، هنوز با مشکلاتی مواجه است. ظاهراً کشورهای نفت خیز هنوز از بابت موضوع شما در طرفداری از عراق در جنگ ۱۹۹۰ خلیج، دلخوری دارند.

عرفات: روند آشتی در جریان است. مثلاً ملک فهد پادشاه عربستان تلاش کرد که وزرای خارجه شش کشور عضو شورای همکاری خلیج، در یک بیانیه ویژه از توافق های ما با اسرائیل حمایت کنند.

اشپیکل: برای شما، همکاری با رژیمهای سلطنتی نفتی، اهمیت حیاتی دارد، زیرا اگر شرایط زندگی مردم مناطق خود مختار به سرعت بهبود نیابد، آزمون خود مختاری می تواند به شکست بیانجامد.

عرفات: من می دانم که سالم سازی اقتصادی، اولویت دارد. موفقیت توافق صلح فلسطین و اسرائیل و شکل گیری صلح پایدار اعراب و اسرائیل، تا حد زیادی بسته به این است که برادران عرب و مسلمان ما و نیز آمریکا، اروپا و ژاپن حاضر باشند منابع لازم برای سازندگی را تأمین کنند.

اشپیکل: جهان برای صلح خاورمیانه باید چه بدهی را بپردازد؟ عرفات: من نمی توانم مبلغی را بگویم. این کار متخصصان است. البته خود ما فلسطینی ها نیز باید دست به کار شویم. مثلاً ما بزودی یک ناوگان هوایی نیرومند خواهیم داشت و بیلافاصله پس از روی کار آمدن حکومت فلسطینی، کار گسترش زیر ساخت منطقه را آغاز خواهیم کرد.

اشپیکل: یاسر عرفات کی به فلسطین باز خواهد گشت؟ عرفات: خیلی زود.

مذهبی امروزی خواهد بود. تاکنون در نهاد های ساف همواره اکثریت طرفدار این طرح بوده اند. اشپیکل: چه چیزی به شما این اطمینان را می دهد که اسرائیل واقعا به فلسطینی ها امکان تشکیل یک دولت مستقل را خواهد داد؟

عرفات: دولت فلسطینی مدتهاست که در درون ما زنده است و یک شبه نیامده است. مثلاً مرحله گذار پنج سال طول می کشد. این مدت برای تعیین تکلیف نهایی مناطق که در سال ۱۹۶۷ توسط اسرائیل اشغال شد، کافی است. چنین چیزی در قرارداد منعقد شده پیش بینی شده است.

اشپیکل: این فقط آرزوهای فلسطینی ها نیست که مطرح است، بلکه سخن بر سر قراردادی است که باید با اسرائیل منعقد شود. عرفات: درست است. اما بدون اینکه بخواهم از پیش برای آینده حکمی صادر کنم، به شما می گویم که فلسطینی ها، دولت مستقل خود را خواهند داشت، در کنار همسایگان نشان یعنی اسرائیل و اردن. این، منطق تاریخ است.

اشپیکل: سوره خشمگین است زیرا بیم دارد که معاهده جداگانه شما با اسرائیل، موضع سوره در مذاکراتش پیرامون بلندی های جولان که تحت اشغال اسرائیل است، تضعیف کند.

عرفات: این ترس، بی دلیل است. من اطلاع دارم که چند پیشنهاد برای حل مسئله جولان به دوستان سوری ما ارائه شده است. تا آنجا که اطلاع دارم، سوری و اسرائیل در آینده نزدیک قراردادی امضا خواهند کرد. این امر در مورد لبنان وارد نیز صادق است.

اشپیکل: آیا بهتر نبود در این مذاکرات، جبهه اعراب متحد می بود؟ عرفات: فراموش نکنید که ما فلسطینی ها، یک توافق در مورد دوره گذار چند ساله تدوین کرده ایم، و نه صلح کلی اعراب و اسرائیل که شامل همه طرفهای ذینفع باشد.

اشپیکل: آیا چنین صلحی اصلاً حاصل خواهد شد؟ عرفات: به مجرد اینکه توافق های جداگانه ای که اسرائیل در مورد آنها سرگرم مذاکره با سوری، لبنان و اردن است، امضا شود، همه دولت های عرب، قرارداد صلح مشترکی با اسرائیل خواهند بست.

این مورد نمی تواند به متن قرارداد استناد کند. در قرارداد آمده است پس از تنها دو سال، مذاکرات در باره موقعیت نهایی شهر آغاز خواهد شد.

اشپیکل: منظور شما موقعیت شرق بیت المقدس است؟ عرفات: بله. شرق بیت المقدس، پایتخت دولت فلسطین است. بیت المقدس غربی که در آن یهودیان ساکنند، پایتخت اسرائیل است و خواهد بود. کسی یا این مخالف نیست. در واقع، مسئله ظاهر الا بیت المقدس نسبتاً ساده حل می شود. اگر موقعیت برسد، ذهن انسان قطعاً الگویی خواهد یافت.

اشپیکل: اما سرنوشت بیت المقدس معلوم نیست. عرفات: درباره همه چیز بحث خواهد شد. باب گفتگو در مورد هیچ موضوعی بسته نیست. اما در قرارداد منعقد شده نیز نکاتی در مورد بیت المقدس شرقی که عربی است، آمده است: مثلاً ساکنان فلسطینی آنجا حق دارند در انتخابات مناطق اشغالی که بنام سال دیگر برگزار شود، شرکت کنند. علاوه بر این، امکان مقدسه مسیحی و اسلامی در شرق بیت المقدس، تحت نظارت یک نهاد فلسطینی که باید ایجاد شود، قرار خواهد گرفت. اینها همه پیشرفتهایی است که تا همین اخیراً قابل تصور نبود.

اشپیکل: اسحاق رابین نخست وزیر اسرائیل، درواشنگتن تاکید کرد بیت المقدس "تابا" پایتخت اسرائیل باقی خواهد ماند. عرفات: اگر منظور او کل بیت المقدس باشد، اشتباه می کند. البته او حق دارد تمایل داشته باشد موقعیت موجود حفظ گردد، اما در نخواهد کشید. ما مراقب خواهیم بود.

اشپیکل: چگونه؟ با نیروهای ویژه دستگاه دولتی جدید التاسیس فلسطینی؟ عرفات: اعتماد به نفس تازه فلسطینی ها که برای نخستین بار اداره امور خود را به دست میگیرند، خود بخود بر احساس مسئولیت افراد در قبال جامعه خواهد افزود. من این حس مسئولیت را مخاطب قرار می دهم. ما برای اینکه هیچ فرد فلسطینی در مقابل جامعه قرار نگیرد، چاره جویی خواهیم کرد.

اشپیکل: آیا گمان می کنید افراطیون نیز که برای یک فلسطین اسلامی مبارزه می کنند و ساف را مورد تکفیر قرار می دهند، به فراخوان شما توجه کنند؟ عرفات: ماهه فلسطینی هستیم و متحمل قربانیهای یکسانی شده ایم. این امر، ما را به هم پیوند می دهد. بدیهی است که نمی توان همه هیولان مرابریو یک حزب یا ایدئولوژی کرد. ما به عقیده دیگران احترام می گذاریم. من فکری کم دولت فلسطین، یک دمکراسی غیر

اشپیکل: اما برخی مسائل مهم مانند حق بازگشت آوارگان فلسطینی به سرزمینشان که تحت اشغال اسرائیل است، مبهم مانده است. عرفات: در این باره با اسرائیل مذاکره خواهیم کرد، البته دو سال دیگر. مهم این است که هیچ نکته ای در برده ابهام نماند. ما در این مورد دقت زیادی به خرج داده ایم.

اشپیکل: با این حال، مخالفان صلح زودرس فلسطین و اسرائیل، نتیجه مذاکرات را ناچیز می دانند. عرفات: آنچه ما درواشنگتن امضا کردیم، نه یک قرارداد صلح تثبیت شده در همه جزئیاتش بلکه نخست یک معاهده اصول است. ما بنیاد را گذاشته ایم. این برای ملت فلسطین و اسرائیل دهها سال حتی موجودیت او را منکر بود، خیلی مهم است. واقع بینانه نیست که در چنین مرحله ای، بخواهیم همه مسائل مورد اختلاف میان خود و اسرائیل را به یکباره حل کنیم.

اشپیکل: مخالفان، شما را متهم می کنند که امتیازات زیادی داده اید بدون اینکه متقابلاً برای فلسطینی ها حداقل حقوق را تضمین کنید. عرفات: من که منکر این نیستم که توافق نامه، شامل همه آن چیزهایی که آرزوی ما را در بر می گیرد، اما این توافق، بهترین چیزی بود که تحت شرایط کنونی جهان عرب و در چهارچوب نظم نوین جهانی قابل تحقق است.

اشپیکل: مخالفان، شما را همچنین متهم می کنند که تصمیمات مهم درباره مسائل سرنوشت ساز ملی را خودسرانه و بدون نظرخواهی از

ارزشها از ارزش افتاد، دنیا سیاه شد، زندگی دستخوش بازیهای بازرگان، و دستهای ناپیدا و بیگانه و بیگانه پرست و خائن و هزار صفت و موصوف ناباب دیگر تصور شد. تیر که به خط رفت، یا به سنگ خورد، یا که اصلاً شکست، اصل نشانه و انگیزه، به طعن و لعن و تمسخر گرفته شد. روی آوردنها، دل دادنها، حرکتها، و سرسپردنها نیز دستخوش توفان شد. یکی شکست، دیگری برید، یکی تلخ شد، یکی تاریک شد، یکی به نفرین گرایید، یکی به نفرت، یکی به قضا، یکی به قدر، و سرانجام روحیه معهود شکست بر باورها دوباره سایه افکند، تا حدی که همان ارزش برابر آدمی، که به احساس یا به اندیشه، یا به گواهی دل، یا از سر هر چه، بدان روی کرده بودند نیز دستخوش ناپاوری شد.

نشی کارایی آدمی با فرهنگ سنتی هماهنگی داشت، پس همان باب شد. همه چیز دروغ انگاشته شد. همه کس کلک و حقه باز... و همه سرگذشت و سرنوشت، مقدر و از پیش تعیین شده و محتوم تلقی

از میمان نامه ها

یک پرسش

مجدد با حزب ابراز دارد. به راستی نمی دانم که شورویا سازمان اکثریت چراویه چه دلیل در این مدت با حزب رابطه و همکاری نداشته و چه شده که اکنون به این مسئله رسیده؟ آیا فقط تمایل به دیدار از جانب حزب توده بوده که شورادست پاچه شده و سریع به این مسئله آری گفته؟ به نظر هنوز حزب توده با گذشته خود هیچگونه برخوردی نکرده، بلکه همه را سیاست خود ارزیابی کرده. هنوز اندی از برگزاری فرمایشی کنگره حزب نگذشته، هنوز اجرای افراد کمیته مرکزی از یاد نرفته، هنوز همان باندی که برای خود کنگره ترتیب دادند و به دروغ انتخابات کردند از خاطره ها زده نشده! هر چند شاید شما از این کلمات خوششان نیاید و بگویید بی فرهنگی، ولی این حزب جز توطئه و باند بازی و دروغ تاکنون برای ملتش کاری نکرده! چه شد که شوروی نظریه همکاری و دیدار با حزب توده را داد؟ چرا شوروی تا چندی پیش با این حزب رابطه ای نداشت؟ شاید جواب بدهم دگم نباید برخورد کرد و این فرهنگ را به گذشته چپ الحاق کنید و بگویید

با سلام و درود فراوان به شما دوستان قبل از هر چیز باید بگویم که من از خوانندگان نشریه شما هستم و از خواندن این نشریه هم راضی. چندی پیش در نشریه کار (شماره ۵۶، ۱۱ فروردین ۱۳۷۲) گزارشی عملکرد شورای مرکزی سازمان به مطلبی برخوردیم که برایم بسیار جالب و درعین حال سوال برانگیز بود. در این گزارش آمده بود که: "شورا در یکی از اجلاسهای خود رای به تجدید رابطه و دیدار با حزب توده ایران داد". جالب از این نظر که خلاصه گروهی و سازمانی پیدا شد که به حزب توده ایران رسمیت بدهد و او را در بازیه های سیاسی وارد کند. سوال برانگیز از این زاویه بود که شورای مرکزی سازمان (اکثریت) بدون برشمردن دلایل رای داده که با حزب توده وارد دیدارها و روابط شود. سوال من این است و دلم می خواهد اگر برای شورا مقدور است، در شماره های بعدی نشریه کار حتما به این مسئله پاسخ گوید و بتواند دلیل خود را برای رابطه گیری

با حزب توده ایران را در نظر ما حزب توده ایران یکی از جریانی های وابسته به جنبش چپ

بیدار شویم!

داشته باشیم؟ آیا ما هم مثل مذهبون از وجود نام فلان حزب - فلان شخصیت - برای خودمان بت درست کرده ایم؟ به عقیده بنده - عدم همبستگی - انشعاب و ضعف در نیروهای چپ ایران در بی برنامه گی و بی هماهنگی شورای مرکزی نیروهاست. هواداران هیچ اختلافی با هم ندارند. پیشنهاد میکنم از تمام هواداران نیروهای چپ خواسته شود که نسبت به وحدت و مبارزه، جامعه ایران را از لحاظ فرهنگی - سیاسی - اجتماعی بررسی کنند تا معلوم گردد که کدام خط مشی در جامعه ایران کارساز است. به هر قیمت و به هر توانی که شده ما باید خودمان را جمع و جور کنیم و در غیر این صورت همیشه پراکنده خواهیم ماند و باید در مقابل نسل آینده با سخنگو باشیم!

۱۹ بهمن سالروز بنیانگذاری جنبش فدائیان خلق انتقاد میکند که چرا شما برای ۱۹ بهمن مراسم یادبود می گیرید زیرا یاد بگیره راه بنیانگذاران سازمان اعتقاد ندارد و با فاصله بین سالهای ۴۹ تا ۵۸ برای اکثریت سابقه مبارزه تاریخی حساب نمیشود و در مقابل چنین انتقاد های "اتحاد کار"، سازمان اکثریت هم مقابله به مثل و حالت دفاعی به خود گرفته بدون اینکه واقعیت را بیان کند. رفقای "اتحاد کار"، "اکثریت" شکست تجربه اکتیاردوگاه، سوسیالیسم را فراموش کرده ایم؟ آیا وقت آن نرسیده که دوباره بخود آیم و به نقش مسئولیت خود به عنوان نیروی چپ دست همدیگر را بگیریم؟ مراسم یادبود - نام فدایی - توده ای - اکثریت - اقلیت - راه کار... غیره بودن نمی شود. تجلیل از فلان شخصیت مبارز، در حال حاضر کدام بحران سیاسی جنبش چپ را حل میکند؟ آیا تمام مشکلات سیاسی ما برطرف شده که بر سر چیزهای بی معنی با هم اختلاف

هیئت تحریریه نشریه کار پس از عرض سلام و آرزوی موفقیت و سیاسی از زحمات شما به عرض می رسانم در شماره ۵۷ ص ۹ نشریه کار خبری درج شده تحت عنوان "اتحاد کار از چه برآشفته است" اینجانب به عنوان یک هوادار نیروی چپ انتقاد شدیدی که از نشریه کار و از اتحاد کار دارم به اطلاع شما می رسانم این چنین برخوردها و درج چنین مطالب بی محتوا جز رفتار کودک منشا نه نیروهای چپ چیز دیگری را ثابت نمی کند نیروها یک برنامه و هدفشان اصلاح جامعه و برقراری عدالت اجتماعی و سوسیالیسم است و با اصطلاح، ما خودمان را مترقی تر از دیگران و پیش از آن مبارزه برای از بین بردن هرگونه انحصارطلبی - خود محوری - سودجویی - فرقه گرایی می دانیم. پس چرا آنچه که در تئوری مطرح میشود در عمل برخلاف آن دیده می شود. "اتحاد کار از سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت به خاطر تدارک مراسم یادبود بزرگداشت

شورا اگر شعارش اندیشه، امید، عشق و کار است، نمی تواند با حزبی که شعارش و عملش متضاد با این شعارهاست دست دوستی دراز کند.

با درود فراوان
ن - فرانکفورت

توضیح گروه "اتحاد چپ"

پس از خیر اعلام تشکیل گروهی بنام "گروه مبارزه برای اتحاد چپ" در کار شماره ۶۶ توضیح زیر بدست ما رسید که جهت اطلاع خوانندگان درج می شود.

نسخه های آن برای شما رفقای گرامی ارسال شده است. ماضن پوزش از شما به خاطر ارسال نسخه تصحیح نشده مرا نامه گروه، از شما رفقای گرامی درخواست می کنیم که در صورت امکان این توضیح ما را از طریق نشریه "کار" به اطلاع خوانندگان محترم آن نشریه نیز برسانید. از فرصت استفاده می کنیم و آمادگی خود را برای همکاری با شما در همه عرصه های مشترکی که مجموعه نیروهای چپ ایران را با یکدیگر پیوند می دهند، و در صدر آنها، مبارزه مشترک برای پایان بخشیدن به اختناق و سرکوب، و استقرار آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی در میهنمان، اعلام می کنیم. گروه "بسیوی اتحاد"

رفقای گرامی، مسئولان نشریه "کار" ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با سپاسگذاری بسیار از درج خبر تشکیل و همچنین بخش هایی از مرا نامه گروه ما در نشریه "وزین کار"، که مایه دلگرمی همه ما و تحکیم هر چه بیشتر ایمان ما به درستی راهی که انتخاب کرده ایم شد، وظیفه خود می دانیم توضیح زیر را به اطلاع شما و از طریق شما به اطلاع خوانندگان محترم نشریه "کار" برسانیم: بنا بر تصمیم اتخاذ شده از سوی اعضای موسس این گروه، نام "گروه مبارزه برای اتحاد چپ" به گروه "بسیوی اتحاد" تغییر پیدا کرده و نخستین شماره نشریه ما هانه آن (شماره مهر ۱۳۷۲) نیز به همین نام، یعنی به نام "بسیوی اتحاد"، منتشر و

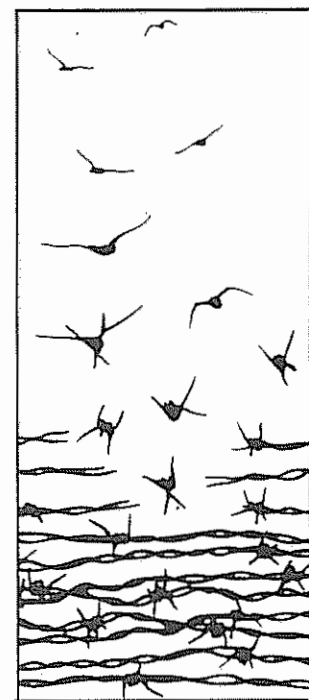
ایران است. ما به ویژه با جریان رسمی این حزب اختلافات عمیقی، از جمله در مورد شیوه های زندگی حزبی داریم، اما این اختلافات را مانعی برای گفتگوها هیچ یک از جریانی های وابسته به حزب توده ایران نمی شناسیم و به عکس گفتگوها را گامی در جهت سالم سازی مناسبات، شناخت دقیق تر از موارد اختلاف و اشتراک و به ویژه پیدا کردن راه های تقویت مبارزه علیه استبداد حاکم می دانیم.

احزاب سیاسی و تقویت دموکراسی در کل جامعه می شناسیم. در فرهنگ ما متاسفانه برقراری رابطه سیاسی بین احزاب، تأیید و پذیرش سیاستها فهمیده می شود. ما با این درک نیز مخالفیم. برقراری رابطه سیاسی را نباید به معنای تأیید مواضع سیاسی و عملکرد احزاب از سوی یکدیگر تلقی کرد. ما سیاست خود در برابر سایر احزاب را بر این پایه قرار داده ایم، بدون آنکه آنرا مطلق کنیم. از نظر ما حزب توده ایران یکی از جریانی های وابسته به جنبش چپ

کار: دوست عزیز، دلایل ما برای برقراری ارتباط و بحث و گفتگو با حزب توده ایران پخش همان دلایلی است که در نامه شما نیز مورد اشاره قرار گرفته است. کوشش سازمان ما بویژه طی چند سال اخیر این بوده است که به سیاست دشمنی و یا بیکوت در میان نیروهای سیاسی پایان داده شود و سیاست بحث و گفتگو و برقراری روابط سالم و احترامانه به جای آن پیشیند. ما این سیاست را گامی در جهت دموکراتیزه کردن مناسبات میان

تسلیت

با تاسف فراوان اطلاع یافتیم که خواهر آقای احمد. ن، مشترک گرامی نشریه کار بر اثر یک بیماری ناگهانی درگذشته است. ما این ضایعه دردناک را به ایشان و خانواده محترم مشان صمیمانه تسلیت می گویم.



کار راه دست دوستان و آشنایان خود برسانید

با اشتراک کار، ما را در پیشبرد وظایفمان یاری رسانید

<p>فرم اشتراک</p> <p>برای اشتراک نشریه کار، فرم زیر را پر کرده، به آدرس نشریه کار ارسال نمایید.</p> <p>مایلیم نشریه کار را برای مدت شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال <input type="checkbox"/> مشترک شوم. معادل بهای اشتراک بصورت حواله بانکی <input type="checkbox"/> تمبر پستی <input type="checkbox"/> همراه نامه است.</p> <p>آدرس: (لطفاً خوانابنویسید)</p> <p>Name: _____</p> <p>Address: _____</p>	<p>بهای اشتراک نشریه کار</p> <table border="1"> <tr> <td>شش ماهه</td> <td>یکساله</td> </tr> <tr> <td>اروپا ۴۵ مارک</td> <td>۹۰ مارک</td> </tr> <tr> <td>سایر کشورها ۵۲ مارک</td> <td>۱۰۴ مارک</td> </tr> </table> <p>مطالبی که با امضاء فردی در کار درج می شود، لزوماً بیانگر موضع و نظر نشریه نیست.</p>	شش ماهه	یکساله	اروپا ۴۵ مارک	۹۰ مارک	سایر کشورها ۵۲ مارک	۱۰۴ مارک	<p>ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)</p> <p>حساب بانکی: M.ABD NR_35263011 کدبانک: 37050198 Stadtsparkasse Köln GERMANY</p> <p>آدرس: Ruzbeh Postfach 1810 52020 Aachen GERMANY</p> <p>fax: 00 49 - 221 - 3318290</p>
شش ماهه	یکساله							
اروپا ۴۵ مارک	۹۰ مارک							
سایر کشورها ۵۲ مارک	۱۰۴ مارک							

چشم انداز اقتصادی

منطقه خودمختار فلسطین

در هفته های اخیر که ارتباطات مخفیانه اسرائیل و سازمان آزادیبخش فلسطین علنی شده و طرفین یکدیگر را به رسمیت شناختند، سیل فاکس و نامه و پیام های تلفنی به شرکت های اسرائیلی سرازیر شده است.

سوال همگان این است. نوار غزه و اریحا خودمختار از نظر اقتصادی چه اهمیتی دارند؟ کجا می توان سرمایه گذاری کرد؟ چه کسانی مسئول پیاده کردن پروژه های آبادانی در مناطق خودمختار خواهند بود؟

شرکت های اسرائیلی برنامه های از پیش آماده شده برای زمان صلح را از کشورهای بیرون می کشند و انتظار باران رحمت را هرگاه که کلیه موانع سر راه صلح بین اسرائیل و کشورهای عرب برداشته شوند، دارند. اما فعلا کار تا این حد پیش نرفته است. برنامه عاجل فعلی، ساختمان مجدد مخروبه خودمختاری یعنی غرب اردن و نوار غزه است. آقای شیمون پروزور امور خارجه ماهها است که برای جلب حمایت مالی فلسطینی ها در تلاش است. آقای پروزور آمریکا و کشورهای دیگر را مستترک و اسکاندیناوی خواستار کمک اقتصادی به فلسطینیان شده است. در این دیدارها حتی از یک بانک خاورمیانه ای بر طبق الگوی بانک اروپای شرقی صحبت شده است. این بانک قاعدتا با یستی به توسعه و آبادانی مجدد این مناطق کمک کند. ایده پشت این پیشنهاد بطور روشن این است که "پول از اشاعه خشونت جلوگیری خواهد کرد". بنابراین هر چه حمایت مالی سریع تر صورت گیرد و هر چه امکانات زندگی سریعتر بهتر گردد بهمان سرعت نیز میدان تاخت و تاز نیروهای رادیکال مخالف صلح با اسرائیل نیز تنگ تر خواهد شد.

رویه گرفته از طرف جامعه جهانی قول کمک های درمقیاس خیلی بالا ولی نه افسانه ای داده شده است. در گزارشی بانک جهانی توصیه کرده است که برای ۸ سال آینده مبلغی نزدیک به ۳ میلیارد دلار بعنوان کمک اقتصادی در نوار غزه و اریحا سرمایه گذاری شود. این پول ها با یستی صرف پروژه های مثل ساختمان مدارس، بیمارستانها، پلها، آسفالت کاری، واحدهای

تحلیلی از اردن و اریحا
برگردان رهرو

تصویب قرارداد خودمختاری در پارلمان اسرائیل

روز پنجشنبه اول مهر ماه، پارلمان اسرائیل پس از بحث شدید، قرارداد خودمختاری با سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) را تصویب کرد. از ۱۲۰ نماینده، ۶۱ نفر به این قرارداد رای مثبت، ۵۰ نفر رای منفی و هشت نماینده رای مستنح دادند. به لحاظ قانونی، نیازی به گذراندن قرارداد ۲۲ شهریورواشتگتن میان اسرائیل و ساف از پارلمان اسرائیل نبود. اما اسحاق رابین با طرح این قرارداد در پارلمان اعلام کرد در صورت عدم تصویب آن، از سمت خود کناره گیری خواهد کرد.

در رای گیری پارلمان اسرائیل که یک نماینده در آن غایب بود، تعداد آرای مخالف به حد مورد انتظار اپوزیسیون نرسید. علاوه بر نمایندگان حزب مذهبی شاس که علیرغم حضور در دولت، انتقاداتی

برق رسانی، آب رسانی، کانالیزاسیون، ارتباطات جمعی مدرن و برپایی مدارس حرفه ای بشود. از آمریکا، ژاپن و کشورهای ثروتمند عرب که همه از آنها انتظار کمک دارند فعلا عکس العمل رسمی دیده نشده است.

بیشتر کشورهای اروپایی، که شادی زاید الوصفی هم از خود نشان می دهند و بععلت وضعیت جغرافیایی شان از همه بیشتر از شکوفایی خاورمیانه متمتع خواهند شد پیشنهاد های روشنی کرده اند و در همین هفته گذشته بازار مشترک یک

پروژه کمک ۶۰۰ میلیون دلاری را برای همکاری در آن منطقه پیشنهاد کرده اند. علاوه بر اینها انتظار می رود که شرکت های بخش خصوصی خارجی نیز به این منطقه سرازیر شوند و بیش از صد ها میلیون دلار در نوار غزه و اریحا سرمایه گذاری کنند. فقط در این صورت می توان واحدهای مختلف تولیدی در آنجا راه انداخت و بدینگونه با بیکاری موجود مبارزه کرد.

مناطق خودمختار می توانند به اسرائیل مواد خوراکی -منسوجات و کفش صادر کنند و صنعت توریسم را دوباره شکوفا سازند و در فاز بعدی بکمک دانش فنی اسرائیلی ها صنایع پیچیده را هم در منطقه شان برپا کنند. یک گزارش اسرائیلی حاکی از آنست که می توان یک منطقه آزاد تجاری بین اسرائیل و منطقه خودمختار ایجاد کرد. علاوه بر اینها اسرائیل سودای تجارت عمده را با کشورهای عربی همسایه در سر دارد. اسرائیل با زارهای جدیدی پروری محصولات خود خواهد گشود. گذشته از این اسرائیل می تواند پل های نویی را به سمت تجارت با اروپا و آمریکا بگشاید. هم اکنون سطح مبادلات اعراب و اسرائیل بطور مخفیانه به ۵۰۰ میلیارد

شلینگ اتریش می رسد. علت مخفی بودن این ارتباطات تجاری تحریم اسرائیل از طرف اعراب است. این تحریم بطور رسمی ادامه خواهد یافت تا اسرائیل تمام اراضی اشغالی در ۱۹۶۷ را تخلیه کند. چیزی که فعلا انتظار اتفاق آن نمی رود.

روز پنجشنبه اول مهر ماه، پارلمان اسرائیل پس از بحث شدید، قرارداد خودمختاری با سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) را تصویب کرد. از ۱۲۰ نماینده، ۶۱ نفر به این قرارداد رای مثبت، ۵۰ نفر رای منفی و هشت نماینده رای مستنح دادند. به لحاظ قانونی، نیازی به گذراندن قرارداد ۲۲ شهریورواشتگتن میان اسرائیل و ساف از پارلمان اسرائیل نبود. اما اسحاق رابین با طرح این قرارداد در پارلمان اعلام کرد در صورت عدم تصویب آن، از سمت خود کناره گیری خواهد کرد.

در رای گیری پارلمان اسرائیل که یک نماینده در آن غایب بود، تعداد آرای مخالف به حد مورد انتظار اپوزیسیون نرسید. علاوه بر نمایندگان حزب مذهبی شاس که علیرغم حضور در دولت، انتقاداتی

جبهه رهایی بخش ملی فارابوند و مارتی (اف. ام. ال. ان) در السالوادور که از یک سازمان چریکی به حزب سیاسی تبدیل شده است، حمایت خود را از روبن زامورا، کاندیدای مشترک چند حزب چپ دیگر برای احراز مقام ریاست جمهوری این کشور، اعلام کرد. این پشتیبانی، هفته گذشته در کنگره اف. ام. ال. ان. در سان سالوادور و ریاست السالوادور اعلام شد. روبن زامورا که پنجاه سال دارد، در اردیبهشت ماه از سوی سه

حزب چپ که ائتلاف "جنبش متحد دمکراتیک" را تشکیل می دهند، نامزد ریاست جمهوری شد. شفیق هندل هماهنگ کننده اف. ام. ال. ان. اعلام کرد این جبهه در انتخابات ریاست جمهوری، پارلمان و شوراهای محلی که ۲۹ اسفند برگزار خواهد شد، با سایر احزاب چپ ائتلاف خواهد کرد.

زامورا خود در برابر حدود هفت هزار نماینده نخستین کنگره سراسری اف. ام. ال. ان. سخنرانی کرد. وی کاندیداتوری

در گریها و کشمکش های نیروهای چپ و سبزهای این شهر با پلیس و شاید سابقه المپیک هیتلری در سال ۱۹۳۳، نتوانست نظر کمیته المپیک را به خود جلب نماید.

چینی ها از شانس بالایی برخوردار بودند. مسابقات سراسری چین نمایشی بود که عظمت آن از چین و امکانات چینی ها برای برگزاری چنین مسابقاتی خبر می داد. اما رئیس کنگره آمریکا رسماً اعلام نمود که آمریکا با برگزاری این بازیها در چین به دلیل نقض حقوق بشر و کشتار دانشجویان چینی در سال ۱۹۸۹، مخالف است. هر چند که رئیس کمیته المپیک اعلام نمود، ما مسائل سیاسی را با ورزش و المپیک تداخل نمی دهیم، اما از همان زمان بود که شانس سیدنی برای برگزاری این بازیها افزایش یافت.

روز اول مهر، کمیته المپیک، شهر سیدنی را برای برگزاری بازیهای المپیک سال ۲۰۰۰ انتخاب نمود.

برای برگزاری بازیهای سال ۲۰۰۰، پنج کشور اعلام آمادگی نموده بودند. از همان آغاز صاحب نظران به دوشهر پکن و سیدنی شانس بیشتری می دادند. استانبول، به دلیل جنگ در کردستان ترکیه و تهدید حزب پ. ک. ا. که از این پس به مراکز توریستی حمله خواهد کرد پس از اعلام آمادگی از هیچ شانس برخوردار نبود.

مخترع در مقابل سیدنی، برلین و پکن از بیعت چندانی برخوردار نشدند و بالاخره برلین که آلمانی ها برای بردن بازیهای المپیک به این شهر ۶۰ میلیون مارک خرج تبلیغات کرده بودند و ورزشکاران نامی همچون اشتنی گراف تنیس بازن اول جهان برای آن تبلیغ می کردند، بخاطر

روز اول مهر، کمیته المپیک، شهر سیدنی را برای برگزاری بازیهای المپیک سال ۲۰۰۰ انتخاب نمود.

روز اول مهر، کمیته المپیک، شهر سیدنی را برای برگزاری بازیهای المپیک سال ۲۰۰۰ انتخاب نمود.

روز اول مهر، کمیته المپیک، شهر سیدنی را برای برگزاری بازیهای المپیک سال ۲۰۰۰ انتخاب نمود.

کاندیدای مشترک چپ در انتخابات ریاست جمهوری السالوادور

خود را گواه براراده نیروهای چپ برای همکاری در انتخابات دانست. زامورا هم اکنون معاون رئیس پارلمان السالوادور است. وی در جریان جنگ داخلی، هشت سال را در نیکارا گروته به تبعید گذراند و در آنجا، رهبری جبهه دمکراتیک انقلابی، شاخه سیاسی اف. ام. ال. ان. را برعهده داشت.

نامزد احزاب چپ برای مقام معاونت رئیس جمهور، فرانسیسکو لیمیا وکیل ۷۶ ساله دادگستری است که از کارفرمایان السالوادور نیز هست. لیمیا در دوره

زمانمداری سرهنگ خولیورورا از ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۷ معاون رئیس جمهور بود. وی در کنگره اف. ام. ال. ان. تاکید کرد مهمترین مسائلی که دولت آتی باید حل کند عبارتند از مبارزه با فساد و احیای اقتصاد جنگ زده السالوادور از طریق تشویق سرمایه گذاری خارجی.

حزب دست راستی حاکم "آرنا" در فروردین ماه رهبر خود، آرماندو کالدرون سول را که شهردار سان سالوادور است، نامزد جانشینی آلفردو کریستیان رییس جمهور فعلی کرد.

گردد، رسانه های گروهی طبق قانون ملزم به اشاعه "ارزش های مسیحی" شده و حتی کشیش ها اجازه یافته اند بدون حضور نماینده دولت، مراسم ازدواج برگزار کنند. برخی روشنفکران لهستان می گویند این کشور می رود که به نخستین دولت تئوکراتیک اروپا تبدیل شود. اکثریت مردم لهستان با این روند مخالفند.

اتحادیه دمکراتیک چپ که در انتخابات به پیروزی رسید، موافق ادامه اصلاحات اقتصادی است اما تاکید می کند که این اصلاحات باید به گونه ای پیش رود که عدالت اجتماعی رعایت گردد. چپ در مبارزه انتخاباتی حمایت از افسار کم درآمد را به شعار محوری خود تبدیل کرد. پس از اعلام نتایج انتخابات، اتحادیه دمکراتیک چپ به اتحادیه دمکراتیک، حزب خانم سزخوتسکا نخست وزیر، پیشنهاد ائتلاف داد اما اتحادیه دمکراتیک در نخستین واکنش خود، این پیشنهاد را رد کرد.

دعوت به کناره گیری کرد و افزود اگر کار به خونریزی بکشد، مسئولیت آن برعهده طرفداران پلتسین است که بدین جرم محاکمه خواهند شد. خاسبولاتف تاکید کرد که نمی خواهد کار به جنگ داخلی بکشد و افزود: "ما در وزارتخانه های امنیت و دفاع، امکانات قابل توجهی داریم که از آن استفاده از جمله اقدامات پلتسین علیه پارلمان، حذف بودجه و قطع برق و خطوط تلفنی مقرر است. به خاطر عدم پرداخت هزینه انتقال نمایندگان کنگره به مسکو، سفر آنها با مشکلاتی مواجه شد اما عاقبت، اکثریت لازم نمایندگان در مقر پارلمان حضور یافتند و اجلاس کنگره نمایندگان خلق تشکیل شد.

در روز جمعه دوم مهر ماه، سران کشورهای جامعه مشترک المنافع در مسکو گرد آمدند و طبق برنامه پیش بینی شده، قرارداد تشکیل اتحادیه اقتصادی را امضا کردند. این واقعه مهم، تحت الشعاع جنگ قدرت در مسکو قرار گرفت. اعضای پیمان مزبور، به معنای شکست مثنی جدایی طلبانه ای است که پلتسین و سایر رهبران جمهوری ها دو سال پیش اتخاذ کردند. در آستانه تشکیل اجلاس سران جامعه مشترک المنافع، آذربایجان نیز که در دوره حکومت ابوالفضل ایلچی بیگ این جامعه را ترک کرده بود، به این اتحادیه بازگشت. در این اجلاس، اکثر کشورهای عضو جامعه کشورهای مستقل از پلتسین

در روز جمعه دوم مهر ماه، سران کشورهای جامعه مشترک المنافع در مسکو گرد آمدند و طبق برنامه پیش بینی شده، قرارداد تشکیل اتحادیه اقتصادی را امضا کردند. این واقعه مهم، تحت الشعاع جنگ قدرت در مسکو قرار گرفت. اعضای پیمان مزبور، به معنای شکست مثنی جدایی طلبانه ای است که پلتسین و سایر رهبران جمهوری ها دو سال پیش اتخاذ کردند. در آستانه تشکیل اجلاس سران جامعه مشترک المنافع، آذربایجان نیز که در دوره حکومت ابوالفضل ایلچی بیگ این جامعه را ترک کرده بود، به این اتحادیه بازگشت. در این اجلاس، اکثر کشورهای عضو جامعه کشورهای مستقل از پلتسین

پیروزی چپ در انتخابات لهستان

ادامه از صفحه ۱۲

در گریها و کشمکش های نیروهای چپ و سبزهای این شهر با پلیس و شاید سابقه المپیک هیتلری در سال ۱۹۳۳، نتوانست نظر کمیته المپیک را به خود جلب نماید.

چینی ها از شانس بالایی برخوردار بودند. مسابقات سراسری چین نمایشی بود که عظمت آن از چین و امکانات چینی ها برای برگزاری چنین مسابقاتی خبر می داد. اما رئیس کنگره آمریکا رسماً اعلام نمود که آمریکا با برگزاری این بازیها در چین به دلیل نقض حقوق بشر و کشتار دانشجویان چینی در سال ۱۹۸۹، مخالف است. هر چند که رئیس کمیته المپیک اعلام نمود، ما مسائل سیاسی را با ورزش و المپیک تداخل نمی دهیم، اما از همان زمان بود که شانس سیدنی برای برگزاری این بازیها افزایش یافت.

مخترع در مقابل سیدنی، برلین و پکن از بیعت چندانی برخوردار نشدند و بالاخره برلین که آلمانی ها برای بردن بازیهای المپیک به این شهر ۶۰ میلیون مارک خرج تبلیغات کرده بودند و ورزشکاران نامی همچون اشتنی گراف تنیس بازن اول جهان برای آن تبلیغ می کردند، بخاطر

روز اول مهر، کمیته المپیک، شهر سیدنی را برای برگزاری بازیهای المپیک سال ۲۰۰۰ انتخاب نمود.

روز اول مهر، کمیته المپیک، شهر سیدنی را برای برگزاری بازیهای المپیک سال ۲۰۰۰ انتخاب نمود.

روز اول مهر، کمیته المپیک، شهر سیدنی را برای برگزاری بازیهای المپیک سال ۲۰۰۰ انتخاب نمود.

سیدنی میزبان المپیک ۲۰۰۰

روز اول مهر، کمیته المپیک، شهر سیدنی را برای برگزاری بازیهای المپیک سال ۲۰۰۰ انتخاب نمود.

برای برگزاری بازیهای سال ۲۰۰۰، پنج کشور اعلام آمادگی نموده بودند. از همان آغاز صاحب نظران به دوشهر پکن و سیدنی شانس بیشتری می دادند. استانبول، به دلیل جنگ در کردستان ترکیه و تهدید حزب پ. ک. ا. که از این پس به مراکز توریستی حمله خواهد کرد پس از اعلام آمادگی از هیچ شانس برخوردار نبود.

مخترع در مقابل سیدنی، برلین و پکن از بیعت چندانی برخوردار نشدند و بالاخره برلین که آلمانی ها برای بردن بازیهای المپیک به این شهر ۶۰ میلیون مارک خرج تبلیغات کرده بودند و ورزشکاران نامی همچون اشتنی گراف تنیس بازن اول جهان برای آن تبلیغ می کردند، بخاطر

روز اول مهر، کمیته المپیک، شهر سیدنی را برای برگزاری بازیهای المپیک سال ۲۰۰۰ انتخاب نمود.

روز اول مهر، کمیته المپیک، شهر سیدنی را برای برگزاری بازیهای المپیک سال ۲۰۰۰ انتخاب نمود.

روز اول مهر، کمیته المپیک، شهر سیدنی را برای برگزاری بازیهای المپیک سال ۲۰۰۰ انتخاب نمود.

روز اول مهر، کمیته المپیک، شهر سیدنی را برای برگزاری بازیهای المپیک سال ۲۰۰۰ انتخاب نمود.

مسکودر گیر بحر ان خطرناک ناشی از انحلال پارلمان توسط پلتسین

روز اول مهر، کمیته المپیک، شهر سیدنی را برای برگزاری بازیهای المپیک سال ۲۰۰۰ انتخاب نمود.

برای برگزاری بازیهای سال ۲۰۰۰، پنج کشور اعلام آمادگی نموده بودند. از همان آغاز صاحب نظران به دوشهر پکن و سیدنی شانس بیشتری می دادند. استانبول، به دلیل جنگ در کردستان ترکیه و تهدید حزب پ. ک. ا. که از این پس به مراکز توریستی حمله خواهد کرد پس از اعلام آمادگی از هیچ شانس برخوردار نبود.

مخترع در مقابل سیدنی، برلین و پکن از بیعت چندانی برخوردار نشدند و بالاخره برلین که آلمانی ها برای بردن بازیهای المپیک به این شهر ۶۰ میلیون مارک خرج تبلیغات کرده بودند و ورزشکاران نامی همچون اشتنی گراف تنیس بازن اول جهان برای آن تبلیغ می کردند، بخاطر

روز اول مهر، کمیته المپیک، شهر سیدنی را برای برگزاری بازیهای المپیک سال ۲۰۰۰ انتخاب نمود.

روز اول مهر، کمیته المپیک، شهر سیدنی را برای برگزاری بازیهای المپیک سال ۲۰۰۰ انتخاب نمود.

روز اول مهر، کمیته المپیک، شهر سیدنی را برای برگزاری بازیهای المپیک سال ۲۰۰۰ انتخاب نمود.

روز اول مهر، کمیته المپیک، شهر سیدنی را برای برگزاری بازیهای المپیک سال ۲۰۰۰ انتخاب نمود.

مسکود گیر بحران خطرناک ناشی از انحلال پارلمان توسط یلتسین

قرارداد ساف و اسرائیل به امضاء رسید

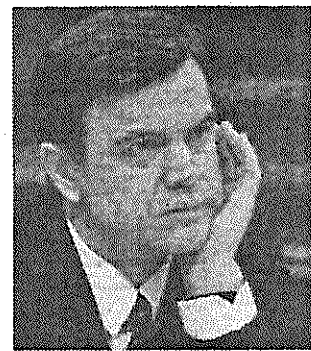
آوارگان فلسطینی در اردن مربوط می‌شود. اردن از مناطق اشغالی در جنگ ۱۹۶۷ به سود فلسطینی‌ها چشم‌پوشی کرده است پس از امضای قرارداد ساف - اسرائیل در واشنگتن، دولت اسرائیل در اقدامی دیگر اعلام کرد آماده است برای ۶ ماهه بطور آزمایشی جنوب لبنان را تخلیه کند. در طرحی که دولت رابین در این باره ارائه داد گفته شده است دولت لبنان برای تأمین امنیت جنوب آن کشور تا سه هزار نفر نیرو در جنوب لبنان مستقر کند. دولت اسرائیل گفته است در صورت موفقیت این طرح آزمایشی، نیروهای خود را برای همیشه در مرزهای شناخته شده خود با لبنان نگاه خواهد داشت. هنوز اطلاعات دیگری از جمله درباره تاریخ اجرای این طرح از سوی دولت اسرائیل انتشار نیافته است.

سازمان آزادبخش فلسطین (ساف) و اسرائیل روز دوشنبه ۲۲ شهریور در واشنگتن قرارداد خودمختاری فلسطینی‌های ساکن نوار غزه و منطقه اریحا را امضا کردند. اسحاق رابین نخست‌وزیر اسرائیل و یاسر عرفات رئیس‌کمیته اجرایی ساف در مراسم امضای قرارداد واشنگتن که در فضای جلوی کاخ سفید و در حضور بیل کلینتون رئیس‌جمهور آمریکا برگزار شد، دست‌یکدیگر را فشردند. امضای قرارداد توسط شیمون پرز وزیر خارجه اسرائیل و محمود عباس عضو کمیته اجرایی ساف صورت گرفت. در حالی که کابینه اسرائیل به اتفاق آراء به قرارداد خودمختاری رای داد، در کمیته اجرایی ساف این قرارداد با ۹ رأی مثبت و ۳ رأی منفی تصویب شد.



در رویداد دیگری هفته گذشته اعلام شد سازمان الفتح به رهبری یاسر عرفات با شاخه مستقر در نوار غزه گروه بنیادگرای حماس در مورد چشم‌پوشی از اعمال قهر علیه یکدیگر به توافق رسید. الفتح در تونس اعلام کرد طرفین یک بیانیه ۶ ماده‌ای را امضا کرده‌اند.

در مراسم امضای قرارداد غزه - اریحا، حدود سه هزار میهمان شرکت داشتند. قرارداد مزبور به امضای آندره کوزیرف و وارن کریستوفر وزیر خارجه روسیه و آمریکا نیز رسید. این دو کشور، نقش قدرت‌های ضامن اجرایی توافق‌های صلح خاورمیانه را بر عهده دارند. اسحاق رابین طی سخنانی در مراسم واشنگتن اظهار امیدواری کرد که هیچ یک از دو طرف دیگر محتمل قربانی‌های بیشتر نشوند. نخست‌وزیر اسرائیل با ذکر اینکه هنوز مسائل زیادی حل نشده مانده‌اند، اظهار داشت که وظایف آینده، بسیار دشوارند. عرفات در نطق خود، قرارداد غزه - اریحا را "احیای هویت فلسطینی" نامید. یک روز پس از امضای قرارداد غزه - اریحا، اسرائیل وارد نیز در واشنگتن، چارچوبی کلی برای توافق صلح با یکدیگر امضا کردند. روسای هیات‌های نمایندگی اسرائیل وارد در مذاکرات صلح واشنگتن، سندی را امضا کردند که حاوی یک برنامه زمان‌بندی شده برای انجام مذاکرات آنی است. اختلاف اردن و اسرائیل به پاره‌ای دعاوی ارضی جزئی و مسئله پرداخت غرامت از سوی اسرائیل از بابت حضور



روسلان خاسبلاتف، رئیس پارلمان کشور دولت یلتسین گفت اوضاع در کشور آرام است و نیروهای ویژه وزارت کشور، پشتیبان رئیس‌جمهورند. گراچف وزیر دفاع نیز اوضاع ارتش را "پایبند" نامید. پارلمان روسیه قانونی را تصویب کرد که به موجب آن، مجازات نقض قهرآمیز قانون اساسی و جلوگیری از فعالیت ارگانهای دولتی، زندان ابد تا پانزده سال یا اعدام خواهد بود. به دستور یلتسین، محافظان ایستگاه‌های رادیو و تلویزیون، بانکها و سایر ساختمانهای حساس افزایش یافته است. به گفته سخنگوی کرملین، این تدابیر به منظور جلوگیری از "اقدامات افراطی" اتخاذ گردید. شب جمعه دوم مهرماه، در جریان یک حمله مسلحانه به مقر فرماندهی کل نیروهای مسلح جامعه مشترک المنافع در مسکو، دو نفر کشته شدند. برخی گزارشها حاکی است هدف از این حمله، به گروگان گرفتن وزرای دفاع کشورهای عضو جامعه مشترک المنافع بود که در این مقر تشکیل جلسه داده بودند. پاول گراچف وزیر دفاع یلتسین در توجیه حمایتش از رئیس‌جمهور، به خبرنگاران گفت یلتسین "دو بار از طرف مردم انتخاب شده است". گراچف افزود به هیچ وجه قصد ندارد از دستورات دولت منتخب پارلمان پیروی کند، و خاطرنشان کرد مسئولان وزارت دفاع در این مورد با او هم عقیده‌اند. گراچف گفت ولا دیسلا و آچالوف وزیر دفاع ادامه در صفحه ۱۱

داد گاه قانون اساسی به یلتسین و کنگره پیشنهاد مصالحه داد

اخبار رسیده از مسکو حاکی از آن است که در مناطق بسیاری از روسیه هیچکدام از طرفین در اکثریت کامل نیستند

واکنش پارلمان در برابر اقدام یلتسین، تشکیل یک دولت موازی بود. چند ساعت پس از فرمان یلتسین، نمایندگان پارلمان برکناری او را اعلام کردند. الکساندر روتسکوی معاون یلتسین بعنوان رئیس‌جمهور جدید در پارلمان سرگند خورد و آندکی بعد، وزرای دفاع، امنیت و کشور را برکنار کرده، افراد جدیدی را بدین سمتها گماشت. والری زورگین رئیس دیوان قانون اساسی روسیه پیشنهاد کرده است، انتخابات زودرس پارلمان ریاست جمهوری فوراً برگزار شود. دیوان قانون اساسی، اقدام یلتسین را غیرقانونی خواند. وزیر تجارت خارجی دولت یلتسین در اعتراض به فرمان رئیس‌جمهور، از سمت خود استعفا کرد. یلتسین در هفته گذشته پس از صدور فرمان انحلال پارلمان، دو نفر از نزدیکان خود را که قبلاً تحت فشار پارلمان برکنار کرده بود، بار دیگر به پستهای مهم منصوب کرد. یگور حیدرنخست وزیر سابق که دو هفته پیش با سمت معاون اول نخست‌وزیر به دولت روسیه بازگشت، هفته گذشته عهده‌دار سرپرستی وزارت اقتصاد شد. ولادیمیر شومیکو معاون نخست‌وزیر نیز که به اتهام فساد برکنار شده بود، به فرمان یلتسین به سمت خود بازگشت. ویکتور چرنومیردین نخست‌وزیر روسیه گفته است که دولت وی "بدون قید و شرط" از یلتسین حمایت می‌کند. آناتولی ساجاک شهردار سنت پترزبورگ نیز پشتیبانی خود را از یلتسین اعلام کرد. ویکتور پیرین وزیر

پس به کلی فاقد اعتبار است. رئیس‌جمهور روسیه گفته است که انتخابات پیش رس ریاست جمهوری در روز ۲۲ خرداد سال آینده برگزار خواهد شد. یلتسین در توجیه اقدام خود که مغایر با قانون اساسی روسیه است، اظهار داشت که باید به عنوان "ضامن امنیت دولت" راه برون‌رفتی از بن‌بست را بیابد. آندکی پیش از صدور فرمان یلتسین، روسلان خاسبلاتف رئیس پارلمان، نمایندگان را فراخوانده بود که با هشیاری مراقب اوضاع بوده، آماده باشند تا هرگونه نقض قانون اساسی را، "صرفنظر از آنکه از چه کسی سرزند"، خنثی کنند. خاسبلاتف ساعتی پیش از صدور فرمان یلتسین، طی سخنانی در گشایش اجلاس فوق‌العاده هیات رئیسه شورای عالی روسیه گفت: "بیم آن دارم که افرادی دست به اعمال غیرقانونی بزنند" وی افزود "ما اکیدا به چارچوب قانون اساسی موجود پایبندیم و وظیفه خود را انجام می‌دهیم". پاول گراچف وزیر دفاع روسیه پس از صدور فرمان یلتسین، وفاداری خود را به رئیس‌جمهور مورد تاکید قرار داد. سخنگوی کرملین گفت: "در کشور، موقعیت فوق‌العاده برقرار نشده و نخواهد شد". یلتسین روز ۳۱ شهریور در میدان پوشکین واقع در مرکز شهر مسکو ظاهر شد و اظهار داشت: "من اوضاع کشور را کاملاً در کنترل دارم. این اظهارات یلتسین، پس از دیدار او با وزرای دفاع، امنیت و کشور صورت گرفت.



هفته گذشته، جنگ قدرت میان بوریس یلتسین رئیس‌جمهور روسیه و پارلمان این کشور پس از ماهها کشمکش بر سر طرح قانون اساسی، موعده برگزاری انتخابات و سیاستهای اقتصادی، با انحلال پارلمان از سوی یلتسین به اوج خود رسید. یلتسین روز ۳۰ شهریور فرمانی صادر کرد که به موجب آن، کنگره نمایندگان خلق و شورای عالی (پارلمان) منحل اعلام شدند. پارلمان نیز در اقدامی متقابل با غیرقانونی خواندن تصمیم یلتسین، اختیارات او را سلب و الکساندر روتسکوی را بعنوان کفیل ریاست جمهوری انتخاب کرد. این اقدامات، بحران بزرگی را در مسکو پایتخت روسیه دامن زد و روسیه در آستانه خطر یک جنگ داخلی قرار گرفت. پارلمان بی‌اعتنا به فرمان یلتسین، کنگره نمایندگان خلق را برای بررسی پیامدهای تصمیم یلتسین فراخواند. با تشکیل اجلاس اضطراری کنگره نمایندگان خلق، نیروی مقاومت در برابر فرمان یلتسین برای انحلال پارلمان گسترش یافت و تا ساعتی که نشریه به زیر چاپ می‌رفت، اوضاع در مسکو همچنان بحرانی و مقاومت پارلمان و مخالفان یلتسین ادامه داشت. یلتسین در نخستین نطق خود پس از صدور فرمان انحلال پارلمان گفت کنگره نمایندگان خلق روسیه دیگر اجلاسی نخواهد داشت و اختیارات و وظایف آن لغو شده است. وی افزود این کنگره از این

پیروزی چپ در انتخابات لهستان

در انتخابات ۲۸ شهریور پارلمان لهستان، نیروهای چپ اکثریت آرای مردم و کرسی‌های مجلس را به دست آوردند. "اتحادیه دمکراتیک چپ" که در آن، حزب کمونیست سابق نیز حضور دارد، با پیروزی در انتخابات، دولت آینده لهستان را تشکیل خواهد داد. حزب طرفداران لئو والسا رئیس‌جمهور لهستان (بلوک فرا حزبی برای حمایت از اصلاحات)، "اتحادیه دمکراتیک" به رهبری هانا سوخوتسکا نخست‌وزیر، و نیز حزب بنیادگرای کاتولیک لهستان از جمله بازندگان انتخابات بودند. پیروزی چپ در انتخابات لهستان، قبل از هر چیز نمایانگر نارضایتی عمیق مردم این کشور از روند تحول شتابان اقتصاد به سمت سرمایه‌داری است. خصوصی‌کردن

طرفداران حزب نژاد پرست محافظه کار قصد محاصره پارلمان را داشتند، پلیس مانع آنان شد. علاوه بر حزب محافظه کار، سه نماینده سفید پوست حزب اینکاتا به رهبری مانگوستویرت له‌زی نیز به تشکیل شورای مخالف دادند. تشکیل شورای اجرایی موقت، نتیجه توافق دولت دکلرک با سایر شرکت کنندگان در گرد همایی چند حزبی برای گذار به دمکراسی است. قرار است این شورا هفت کمیته جنبی تشکیل دهد و در مسائل مهم دولتی حق شرکت در تصمیم‌گیری‌ها را داشته باشد. این مسائل از جمله عبارتند از سیاست خارجی و دفاعی، بودجه و امور امنیتی. اعضای شورا را گرد همایی احزاب تعیین خواهد کرد.

پارلمان آفریقای جنوبی به انتقال قدرت رای داد

پارلمان آفریقای جنوبی هفته گذشته با تشکیل یک شورای اجرایی موقت موافقت کرد این شورا تا هنگام برگزاری انتخابات در ماه آوریل سال آینده، نظارت بر کار دولت را بر عهده خواهد داشت. در شورا نمایندگان سیاه‌پوستان نیز حضور خواهند یافت. پارلمان سفید پوستان آفریقای جنوبی که ۱۷۹ عضو دارد، با ۱۰۷ رأی موافق در برابر ۳۶ رأی مخالف، تشکیل شورای اجرایی موقت را تصویب کرد. این اقدام با مقاومت سرسختانه حزب محافظه کار مواجه شد که نمایندگان آن پس از تصویب تشکیل شورا، اجلاس پارلمان را ترک کردند. رای گیری پارلمان در شرایط محافظت شدید از مقر پارلمان توسط پلیس برگزار شد. هنگامی که

چشم‌انداز اقتصادی منطقه خودمختار فلسطین